

ارزیابی هویت گروهی و هویت حرفه‌ای کارکنان مؤسسات در ارتقاء کارکرد سرمایه اجتماعی حرفه حسابرسی

مجتبی رحیمی

گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
Email: mojtabarahimii70@gmail.com

سید عباس برهانی

گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
Email:: sa.sborhani1352@iau.ac.ir

جواد رضازاده

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email:: j.rezazadeh@modares.ac.ir

امید فرجی

دانشیار، گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
Email: omid_faraji@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

چکیده

مشروعیت بخشیدن به حرفه حسابرسی از نظر جایگاه اجتماعی مسئله‌ای است که معمولاً به دلیل گستردگی تعارضات حرفه‌ای و شکاف انتظارات، دستیابی به چارچوبی برای شناخت آن را با چالش‌های زیادی مواجه نموده است. چراکه بخشی از سرمایه اجتماعی را رویکردهایی مبتنی بر بینش فردی، و بخش دیگری از سرمایه اجتماعی را ارزش‌هایی شکل می‌دهند که برای دستیابی به یک هنجار فکری مشترک در حرفه، نیازمند نهادینه‌سازی ترکیب شناخت و ارزش‌های ایجاد شده در بستر حرفه حسابرسی می‌باشد تا به یک پدیده مشترک در عملکردهای رفتاری و فنی در قضاوت حسابرسی بدل شود. این پژوهش اساساً بدنبال این است سوال که آیا بسط جنبه‌های نوظهوری در سرمایه اجتماعی به تفاوت بین عملکردهای هویت حرفه‌ای کارکنان به شکل فردی با هویت گروهی در مؤسسات حسابرسی منتج خواهد شد یا خیر. در این مطالعه بر مبنای دو فازی بودن فرآیندهای جمع‌آوری داده‌ها به صورت کیفی و کمی، جامعه آماری به تفکیک مورد توصیف قرار می‌گیرد. باتوجه به فقدان چارچوب‌های نظری منسجم برای پیشبرد هدف سناریوسازی ماتریسی متغیر سرمایه اجتماعی در بخش کمی مطالعه، می‌بایست برای پیاده‌سازی اهداف مطالعه در بخش کیفی، از مشارکت خبرگان بهره‌برده می‌شد. لذا تعداد ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی که همسو با کفایت خبرگی تشریح شده در روش شناسی از آگاهی و شناخت کافی برخوردار بودند، در فاز کیفی مطالعه مشارکت داشتند. در بخش کمی این مطالعه، مشارکت‌کنندگان که ۱۶۰ نفر شریک، مدیر و سرپرستان مؤسسات حسابرسی بودند باهدف ارزیابی سناریوسازی ماتریسی در تحلیل واریانس برای پاسخ به پرسشنامه محقق‌ساخت، انتخاب شدند.

پژوهش حاضر ضمن طرح فرضیه‌های از طریق روش‌های متن‌کاوی، تحلیل‌های دو فازی کیفی و سپس با روش دلفی براساس دو معیار میانگین و ضریب توافق، به دنبال سنجش پایایی معیارهای برآمده از مرحله رسیدن به می‌باشد تا امکان تبیین آنها در بستر مطالعه در فاز کمی محقق گردد. در فاز کمی مطالعه نیز از تحلیل واریانس بهره‌برده می‌شود تا اقدام به تعیین تفاوت کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسات حسابرسی تحت هویت حرفه‌ای و هویت گروهی در جامعه هدف گردد. براساس نتایج حاصل، ساختار مؤسسات حسابرسی جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های راهبردی تخصصی در یک بازار رقابتی نیازمند هویت‌سازی گروهی می‌باشد تا با توسعه قابلیت‌های درونی، بتواند از طریق مزیت‌های رقابتی قابل اکتساب در آینده، برای مؤسسه اعتبار بالاتری را کسب نماید. لذا هویت گروهی در مؤسسه‌های حسابرسی را می‌بایست به عنوان یکی از قابلیت‌های درونی، مبنایی برای تحریک کارکردهای سرمایه اجتماعی مدنظر قرار داد و هویت حرفه‌ای که مبنایی از هویت اجتماعی در حسابرسی است و کارکردهای عملکردهای فردی حسابرسان را در مؤسسه مدنظر قرار می‌دهد، در تأثیرگذاری بر کارکردهای سرمایه اجتماعی، از ظرفیت بالاتری برای وقوع کارکرد کامیابی نسبت به کارکرد معنویت برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: هویت گروهی، هویت حرفه‌ای، سرمایه اجتماعی، کارکنان مؤسسات حسابرسی، حرفه حسابرس.

۱- مقدمه

آموزش‌هایی هستند که بایستی مورد ارزیابی قرار گیرند تا به یک هنجار مشخص در حرفه حسابرسی بدل گردند (بنجامین و همکاران^۶، ۲۰۱۰).

به عبارت دیگر، مطابقت دادن این ارزش‌ها برای دستیابی به ایجاد تعادل و یا همگن شدن افراد و اعضای گروه، نیازمند کارکردهای ارزیابی از آموزه‌های بسط داده شده به حرفه حسابرسی است تا با شکل‌دادن به هویت گروهی متصدیان حرفه‌ای، زمینه‌ساز ظهور ارزش‌های فراگیرتری برای توسعه تلقی گردد (استاسک و مالچ^۷، ۲۰۲۳). چراکه پیامدها و نتایج متفاوت در عملکرد هویت گروهی بدون پشتوانه‌سازی ارزش‌های هنجاری، نمی‌تواند مشروعیت حرفه‌ای در حسابرسی برای رسیدن به سرمایه اجتماعی را تقویت نماید (سراپایوانیچ و همکاران^۸، ۲۰۲۴). مسئله‌ای که باید توجه شود، مسیر تعاملی و متقابل بین ارزش‌های رفتاری و عملکردی تبدیل شده به هویت در حرفه حسابرسی با کارکردهای سرمایه اجتماعی به شکل یک سیکل دائماً در حال تغییر می‌باشد که اگر به ایجاد مجموعه مبانی رفتاری قابل درک در متصدیان منجر نگردد، نمی‌تواند در شکل‌دهی سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی و توسعه اثربخش پاسخگویی متصدیان آن، نقش چندان مؤثری را برای کاهش شکاف انتظارات ایفا نماید. لذا سوالی که در این مطالعه مطرح می‌باشد این است که اساساً آیا بسط جنبه‌های نوظهوری در سرمایه اجتماعی به تفاوت بین عملکردهای هویت حرفه‌ای کارکنان به شکل فردی با هویت گروهی در مؤسسات حسابرسی منتج خواهد شد یا خیر.

مبانی نظری

در این بخش به تفکیک هر یک از مبانی مرتبط با متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود تا بتواند به شناخت منسجم تر از مطالعه کمک نماید.

هویت در حسابرسی

تحقیقات کلاسیک عرصه‌های رفتاری در علوم انسانی غالباً مشوق‌های مالی را معرف ویژگی‌های انگیزه شغلی تلقی می‌نمودند که با گذشته زمان و بسط بسیاری از نظریه‌های بین رشته‌ای از روانشناسی و مدیریت، به تغییر تصورات غالبی شکل گرفته در عرصه‌های رفتاری علوم انسانی منتج گردید (فریدونی و برزگر، ۱۳۹۷). این تئوری‌ها علاوه بر محرک‌های روانشناختی

ارزیابی عملکرد متصدیان به عنوان بخشی از جنبه‌های فرآیندی و غالباً کمتر توجه شده در حوزه تئوری حسابداری رفتاری، نقش تأثیرگذاری بر یکپارچگی کارکردهای عملکردی عرصه‌های مختلف در دانش حسابداری و حسابرسی دارد (نهمی و همکاران^۱، ۲۰۲۳). یکی از این مبانی، مرتبط با ارزیابی‌های منابع انسانی در مؤسسات حسابرسی است که بر پایه‌ی ارزش‌های فردی و هویت‌سازی گروهی می‌تواند، ظرفیت‌های اثرگذاری بر حرفه حسابرسی داشته باشد (شعبان^۲، ۲۰۱۲). در بسط این رویکردها از بستر دانش‌های بین رشته‌ای همچون مدیریت و سازمان، قابل ادعان می‌باشد که ادراک ناشی از تعالی‌گرایی مدیران شرکت‌ها بر پایه ارزیابی عملکرد، می‌تواند به عنوان یک مکانیزم اثرگذار استراتژیک به تقویت کارکردهای رقابتی منجر شود (اینتاماس و همکاران^۳، ۲۰۲۴). اما ارجاع این مسئله به حوزه حسابداری رفتاری، معمولاً به دلیل درهم تنیدگی کارکردهای مالی و اخلاقی، از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار می‌باشد.

از طرف دیگر، بسط مفهوم هویت گروهی به عنوان مبنایی برای جهت‌دهی مشارکت‌های منابع انسانی در سازه‌های مالی و حسابرسی، از جمله مبانی برآمده از مطالعات اقتصادی، روانشناسی اجتماعی و مدیریت تلقی می‌شود که در دستیابی به اهداف و استراتژی‌های مدون مؤثر می‌باشد. از یک طرف، هویت قوی به حل و فصل مشکلات مربوط به تعارضات بین فردی کمک می‌کند و از طرف دیگر، می‌تواند افراد را به پیروی از هنجارهای مشخص اخلاقی در پایبندی به ارزش‌های فراتر از ارزش‌های تأکید شده در حسابداری و حسابرسی وادار نماید (بروبرگ و همکاران^۴، ۲۰۱۸). به عبارتی اقتصاد هویتی که مبنای شکل‌گیری هویت‌های متنوعی در عرصه‌های حسابرسی است، این فرصت را به تئورسین‌های این حرفه از نظر ترویج ارزش‌های رفتاری می‌دهد تا با پذیرش همسویی منافع در حسابرسی، سطح سینرژی عملکردهای حرفه‌ای را ارتقاء بخشند (اکرلوف و کرانتون^۵، ۲۰۰۵).

با این وجود، همواره به دلیل پیچیدگی‌های درونی افراد و گستردگی جنبه‌های کارکردی در حسابرسی، این امر همیشه نمی‌تواند صادق باشد که دستیابی به ارزش‌های رفتاری مشابه، بتواند به انطباق‌پذیری عملکردی منجر شود، چراکه ارزش‌ها برای تبدیل شدن به بخشی از عملکردهای حرفه‌ای نیازمند

⁵ Akerlof and Kranton

⁶ Benjamin et al

⁷ Stack and Malsch

⁸ Sarapaivanich et al

¹ Nehme et al

² Shaban

³ Intamas et al

⁴ Broberg et al

از طرف دیگر در تعریف هویت حرفه‌ای به عنوان بخش دیگری از کارکردهای هویت اجتماعی در حساب‌رسان می‌بایست به ارجح بودن فلسفه وجودی نسبت به فاکتورهای بیرونی اثرگذار بر ادراک فردی توجه نمود (ولیان و همکاران، ۱۴۰۱). عرصه‌ای که در تشخیص تفاوت بین حساب‌رسان دارای هویت حرفه‌ای با سایر حساب‌رسان می‌تواند بسیار کارساز باشد. لذا هویت حرفه‌ای در حساب‌رسانی را می‌توان نوعی احساس تعهد و وابستگی حساب‌رسان، به ارزش‌های نهادینه در ساختار این حرفه تلقی نمود که باعث می‌گردد فرد حساب‌رسانی را نمادی از وجود خود تعریف نماید و در تبادلات اجتماعی این شغل را به عنوان بخش وجودی ویژگی‌های فردی خود معرفی نماید (محسن‌زاده‌گلفزانی و همکاران، ۱۴۰۳). به عبارت دیگر، هویت حرفه‌ای یک احساس تعهد نسبت به شغل حساب‌رسانی در درون حساب‌رسان می‌باشد که فرد خود را عضو آن جامعه با افتخار معرفی می‌نماید و احساس رضایت منبعت از ادراک درونی می‌تواند کارکردهای حرفه‌ای فرد در پاسخ به انتظارات ذینفعان را ارتقاء بخشد (استاک و مالسج^۸، ۲۰۲۲).

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی را نخستین بار هانیفان^۹ در سال ۱۹۱۶ میلادی مطرح کرد اما تا سال ۱۹۶۱ میلادی، با وجود اهمیت آن، موضوع مورد توجه در پژوهش‌های اجتماعی نبوده است. بعد از سال ۱۹۶۱ میلادی، به مفهوم سرمایه اجتماعی توجه بیشتری شده و تعاریف گوناگونی برای آن بیان شده است، از جمله «منابع موجود در روابط اجتماعی که به افراد یا جوامع امکان دستیابی به هدف‌هایی را می‌دهد که بدون این منابع امکان دست‌یافتن به آن مشکل است» تا «ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی، مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که موجب کارایی بیشتر برای دستیابی به هدف‌های مشترک می‌شود» (حسن و حبیب^{۱۰}، ۲۰۱۹). منشأ سرمایه اجتماعی را برخی ساختار اجتماعی و برخی دیگر ویژگی‌ها یا هنجارهای اجتماعی می‌دانند. نتیجه و اثر سرمایه اجتماعی به طور کلی تقویت هماهنگی و همکاری بین افراد گروه و سازمان با یکدیگر است که به صورت منبع مولد مزیت یا بازدهی در روابط اجتماعی از آن نام برده می‌شود (ابوالحسنی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین، سرمایه اجتماعی را ترکیبی از اعتماد و هنجارهای متقابل اجتماعی می‌دانند

در درونیات فردی، به محرک‌های بیرونی در بستر اجتماعی اشاره نمودند و آن را مبنایی برای ظهور کارکردهای اثربخش مبتنی بر بهزیستی روانشناختی فرد در عرصه‌های شغلی معرفی کردند (دنگ و همکاران^۱، ۲۰۲۴). دانش حساب‌رسانی نیز از این تحولات علمی در حد فاصل عرصه‌های رفتاری و اجتماعی بی‌بهره نماند و از اوایل دهه ۱۹۹۰ مفاهیم جدیدی در حرفه حساب‌رسانی شروع به ظهور یافتن نمود که بتواند به شناخت بهتر از ویژگی‌های رفتاری و عملکردی حساب‌رسان کمک نماید (پیچر و همکاران^۲، ۲۰۲۴). تئوری هویت اجتماعی یکی از زمینه‌های مؤثر در این عرصه تلقی می‌شود که با آغاز قرن جاری پیامدهای گسترده تری از تمرکز بر این پدیده در حرفه حساب‌رسانی منبعت گردید (آندیولا و همکاران^۳، ۲۰۲۴).

چراکه این تئوری به عنوان یک چهارچوب نظری متأثر از ادراک‌های درونی و محرک‌های بیرونی، مبنایی برای توجیه عملکردهای فردی در نظر گرفته شد تا بتواند به دانش حساب‌رسانی در حوزه رفتاری و ساختاری معنای جدیدی القاء نماید (باباجانی و همکاران، ۱۴۰۱). این تئوری اعتقاد دارد که افراد به واسطه‌ی پذیرفتن نقش‌هایی که بر عهده می‌گیرند، تلاش می‌کنند تا خود را بسته به ویژگی‌های رفتاری به متعلق به گروهی‌های بدانند که از آن ارزش بالاتری دریافت می‌کنند (زمانیان‌فر و مبارکی، ۱۴۰۲). این ارزش را در سلسله مراتب نیازهای مازلو می‌توان در ردیف احترام اجتماعی توجیه نمود. بر این اساس هویت اجتماعی کارکردهای قابل انعکاس در رویه‌های حرفه‌ای در حساب‌رسانی شناخته شد که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده همچون دهالیوال و همکاران^۴ (۲۰۰۸)؛ هولینگسورث و لی^۵ (۲۰۱۳) و بروبرگ و همکاران^۶ (۲۰۱۸) در این عرصه پایایی آن را تأیید نمود. بسیاری از عرصه‌های نظریه پردازی بسط هویت در حرفه حساب‌رسانی را در دو بخش گروهی و حرفه‌ای مورد توجه قرار دادند. به طوریکه هویت گروهی بر پایه تئوری هویت اجتماعی، توجیه کننده‌ی آن بخشی از انگیزه‌های فردی است که با عضویت در گروه هم‌تایان به دنبال اقتناع آن می‌باشد (مونیک و پارژئوکوسکی^۷، ۲۰۲۴). لذا همانطور که تئوری هویت اجتماعی اشاره می‌کند، هویت گروهی در حساب‌رسانی سطحی از محرک‌های درون ساختاری است که برپایه ادراک فرد از حرفه به تدریج شکل می‌گیرد که این مسئله به تحریک عضویت در یک گروه با ویژگی‌های مشابه فردی، منجر خواهد شد.

⁶ Broberg et al

⁷ Monik and Parzuchowski

⁸ Stack and Malsch

⁹ Hanifan

¹⁰ Hasan and Habib

¹ Dong et al

² Peecher et al

³ Andiola et al

⁴ Dhaliwal et al

⁵ Hollingsworth & Li

تأثیرگذاری متغیرهای مستقل (برونزا) بر متغیر وابسته (درونزا)، تلاش خواهد شد تا به سوال‌های پژوهش پاسخ داده شود.

مروری بر پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش داخلی

طبق بررسی‌های انجام شده تاکنون در سطح بین‌المللی تحقیقی انجام نشده که به صورت ترکیبی عوامل اثرگذار بر کیفیت حسابرسی و هویت حرفه‌ای حسابرسان را بررسی نماید اما مربوط‌ترین تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده به طور خلاصه بدین شرح هستند.

محسن زاده گلفزانی، خدادی و رضائی پیتته نوئی (۱۴۰۳) پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر رفتار اخلاقی بر هویت سازمانی و هویت حرفه‌ای حسابرسان انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با ارتقای رفتار اخلاقی، هویت سازمانی و هویت حرفه‌ای حسابرسان بهبود می‌یابد. این یافته بدان معناست که با نهادینه شدن رفتار اخلاقی در موسسات حسابرسی، کارکنان ترغیب می‌شوند به جای اهداف کاملاً شخصی، به اموری که برای سازمان سوددهی دارد تمرکز داشته باشند؛ نسبت به سازمان و حرفه وظیفه‌شناسی بی‌نظیری نشان داده و به سهیم شدن در ارزش‌ها و اهداف سازمان با دیگر اعضا اهمیت دهند. نوآوری پژوهش حاضر شناسایی تاثیر رفتار اخلاقی بر هویت سازمانی و حرفه‌ای حسابرسان است که می‌تواند راهگشایی مناسب برای بهبود رفتار اخلاقی حسابرسان باشد و منجر به افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه حفظ اعتماد عمومی به حرفه حسابرسی گردد.

ثابتی بیلندی، فاضلی و فغانی ماکرانی (۱۴۰۲) هدف از پژوهش حاضر، مدلی برای عوامل اثرگذار بر کیفیت حسابرسی و هویت حرفه‌ای حسابرسان می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عواملی که بر کیفیت حسابرسی تاثیر گذار هستند بر هویت حرفه‌ای حسابرسان نیز تاثیر گذار است.

عارف منش و موسوی (۱۴۰۱) بررسی رابطه خودکارآمدی مذاکرات حسابرسان با صاحبکار بر بیطرفی حسابرسان می‌پردازد و سپس، نقش تعدیل‌کننده هویت حرفه‌ای حسابرسان در رابطه خودکارآمدی مذاکرات حسابرسان با صاحبکار و بیطرفی حسابرسان را مورد بررسی قرار می‌دهد که تأثیر خودکارآمدی مذاکرات بر بیطرفی حسابرسان مثبت و معنادار است و نقش تعدیل‌گر هویت حرفه‌ای در رابطه خودکارآمدی مذاکرات با بیطرفی حسابرسان مورد تأیید قرار گرفت.

(سینگه^۱، ۲۰۲۴). ناهاپیت و قوشال^۲ (۱۹۹۸) جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی را در سه طبقه شامل عنصر شناختی، عنصر ساختاری و عنصر ارتباطی ارائه کرده‌اند. در عنصر شناختی سرمایه اجتماعی منابعی تشریح می‌شود که فراهم‌کننده مظاهر، تعبیرها، تفسیرها و نظام‌های معانی مشترک در بین گروه‌ها است. مهم‌ترین جنبه‌های این عنصر زبان و رمزهای مشترک و حکایت‌های مشترک است. عنصر ساختاری سرمایه اجتماعی مربوط به الگوی کلی تماس‌های بین افراد است؛ یعنی، افراد به چه کسانی و چگونه دسترسی دارند؟ مهم‌ترین جنبه‌های این عنصر روابط شبکه‌ای بین افراد، پیکربندی شبکه‌ای و سازمان مناسب است. عنصر ارتباطی سرمایه اجتماعی توصیف‌کننده نوعی روابط شخصی است که افراد با یکدیگر به خاطر سابقه تعامل خود برقرار می‌کنند. مهم‌ترین جنبه‌های این عنصر از سرمایه اجتماعی عبارت است از: اعتماد، هنجارها، الزامات، انتظارات و هویت (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰). اما بیانچی و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در توجیه تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی در مؤسسات حسابرسی از آن به عنوان یک دارای هنجاری یاد می‌کند و فقدان آن در مؤسسات حسابرسی را مبنایی برای بررسی ناسازگاری‌ها و تضادهای ناشی از سریشدگی فشارهای حرفه‌ای مدنظر قرار می‌دهند. با اتکاء به مبانی نظری قابل بسط از آنجاییکه این مطالعه دارای ماهیت آمیخته در روش شناسی می‌باشد، می‌بایست به سوالات پژوهش به ترتیب زیر توجه گردد:

- ۱) مضامین گزاره‌ای کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسات حسابرسی کدامند؟
- ۲) مقوله‌های کارکردی سرمایه اجتماعی مؤسسات حسابرسی کدامند؟
- ۳) آیا هویت گروهی از شدت تأثیرگذاری معنادار بالاتری بر ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت نسبت به تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در مؤسسه‌های حسابرسی برخوردار است؟
- ۴) آیا هویت حرفه‌ای کارکنان از شدت تأثیرگذاری معنادار بالاتری بر ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت نسبت به تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در مؤسسه‌های حسابرسی برخوردار است؟

لذا براساس تمرکز مطالعه بر تکنیک متن کاوی برای شناسایی کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسه‌های حسابرسی به عنوان مقوله محوری مطالعه و تحلیل واریانس جهت تعیین تعیین شدت

³ Bianchi et al

¹ Singh

² Nahapiet and Ghoshal

نگارش این مقاله تعیین تأثیر صلاحیت، حرفه‌ای‌گری حسابرس و صداقت بر کیفیت حسابرسی است. نتایج مقاله عبارتند از: صلاحیت، حرفه‌ای‌گری حسابرس و صداقت بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد.

یولینتی، زکاسی، سوهرمن و سومان تری (۲۰۲۴)^۲ هدف این مطالعه بررسی تأثیر تعهد حرفه‌ای، تعهد به اخلاقیات، منبع کنترل درونی و هوش هیجانی بر توانایی کشف تقلب از طریق رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی می‌باشد. یافته‌ها - نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تعهد حرفه‌ای و هوش هیجانی تأثیر مثبتی بر توانایی تشخیص تقلب دارند. تعهد به اخلاقیات و هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد. علاوه بر این، این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که تعهد به اخلاقیات و هوش هیجانی به طور غیر مستقیم بر توانایی کشف تقلب از طریق رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارند.

پیامدهای عملی - سازمان به طور دوره‌ای بر رفتار حسابرسان، به ویژه بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی در طول فرآیند حسابرسی نظارت می‌کند و تنظیم‌کننده‌ها را تشویق می‌کند تا سیاست‌های مرتبط با افزایش توانایی کشف تقلب را تدوین کنند.

استاک و مالچ^۳ (۲۰۲۲) با استفاده از پژوهش کیفی به بررسی ادبیات در زمینه شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در سطوح مختلف کارکنان مؤسسات حسابرسی از کمک حسابرس تا مدیر و شریک حسابرسی و حتی کارکنانی که خدمات حرفه‌ای را کنار گذاشتند و وارد سایر حوزه‌ها شده بودند، پرداختند. این مطالعه بر اهمیت کسب مهارتهایی در کنار آموزشهای فنی در هویت‌سازی حرفه‌ای تأکید می‌کند.

ایمونیا و ایمونیا (۲۰۲۰) به بررسی توسعه شغلی حسابرسان و بحران هویت پرداختند. نتایج آنها در سطح چهار موسسه بزرگ حسابرسی فعال در برزیل نشان داد که حسابرسان حرفه‌ای که از این حرفه جدا می‌شوند در معرض بحران هویت قرار می‌گیرند، بحران هویت تجربه شده از دو جنبه قابل بحث است، از یک سو عدم موفقیت حسابرس در فرآیند شریک موسسه شدن نوعی سرخوردگی محسوب می‌شود و از سوی دیگر هویت شکل گرفته در حرفه حسابرسی در تضاد با ارزش‌های سازمان جدید است.

الیندا و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی تأثیر استرس و نقش آن بر کاهش کیفیت حسابرسی را در شرکت‌های

کرمی خواه (۱۴۰۱) امروزه سازمانهای برتر در تلاشند تا کارکنان بالقوه حرفه‌ای و متخصص را جذب کنند و در حفظ منابع انسانی خود بکوشند. یک هویت سازمانی قوی بالطبع می‌تواند باعث نگهداری کارکنان شود. هویت سازمانی ویژگی‌های یک سازمان است که ماهیت آن را تشریح و آنها را از سایر سازمانها متمایز کرده و بیان‌گر تداوم این ویژگی‌هاست. تصمیم‌گیریهای مدیریتی محتاج دانش مدیریت، حل مسائل رفتاری نیازمند علوم رفتاری و حل مشکلات اخلاقی مستلزم علم اخلاق است. علم مبتنی بر اخلاق، شرط اساسی است برای علم مبتنی بر علم. نقش راهبردی اخلاق حرفه‌ای در موفقیت معطوف به آینده سازمان غیر قابل انکار است. مطالعاتی که در خصوص رابطه اخلاق حرفه‌ای و هویت سازمانی صورت گرفته، حاکی از آن است که اخلاق حرفه‌ای در هویت سازمانی کارکنان نقش موثری دارد. بر همین مبنا در پژوهش حاضر به تحلیل هویت سازمانی و اخلاق حرفه‌ای پرداختیم و نقش هرکدام را به مورد بررسی قرار دادیم.

شاهعلی زاده، نیکومرام و حیدرپور (۱۴۰۰) رهبری اخلاقی به عنوان نمایش رفتار مناسب هنجاری از طریق فعالیت‌های فردی و ارتباطات بین فردی و ترویج این قبیل رفتارها به پیروان و همچنین هویت حرفه‌ای و سازمانی به عنوان مولفه‌هایی که هنجارها، اهداف و ارزش‌های حسابرسان را با سازمان و حرفه همسو می‌کنند، می‌توانند بر قصد هشداردهی حسابرسان به عنوان سازوکاری جهت جلوگیری و کشف رفتارهای غیراخلاقی و خطاکاری در حرفه حسابرسی مؤثر باشند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی بر قصد هشداردهی حسابرسان به صورت مستقیم و به واسطه هویت حرفه‌ای و هویت سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بر اساس نتایج این پژوهش اجرای رهبری اخلاقی و تقویت هویت حرفه‌ای و هویت سازمانی تمایل به هشداردهی در حرفه حسابرسی را افزایش می‌دهد و این مسئله موجب کاهش خطاکاری در مؤسسات حسابرسی خواهد شد.

پیشینه پژوهش خارجی

ادی باکری (۲۰۲۴)^۱ ادبیات قبلی در نگارش یک تحقیق یا مقاله علمی بسیار حائز اهمیت است. نتایج پژوهشی مرتبط برای تقویت نظریه‌ها و روابط پدیده‌ها یا تأثیرات بین متغیرها استفاده می‌شوند. عواملی که بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارند، عبارتند از: صلاحیت، حرفه‌ای‌گری حسابرس و صداقت. هدف از

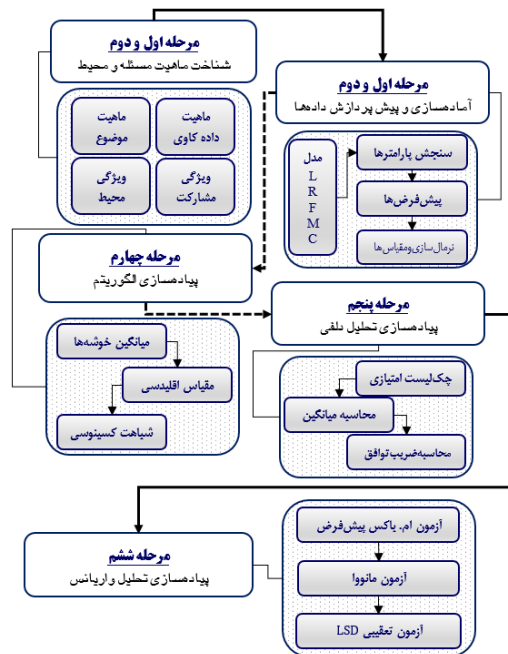
حسابداری دولتی در شهرهای سورابایا و سیدوارجو کشور اندونزی بررسی کردند. نتایج نشان داد که تضاد نقش و ابهام نقش، تاثیر معنی داری در کاهش کیفیت حسابرسی ندارد، اما اضافه بار نقش در کاهش کیفیت حسابرسی تاثیر معنی داری دارد.

برویرگ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین هویت حرفه‌ای و هویت سازمانی حسابرسان و فرآیند تجاری سازی در موسسات حسابرسی پرداختند. آن‌ها استدلال کردند که بین هویت سازمانی و حرفه‌ای حسابرسان و فرآیند تجاری سازی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این نتیجه باعث ایجاد تغییر در نقش هویت حرفه‌ای در رابطه با فرآیند تجاری سازی موسسات حسابرسی دارد. رابطه مستقیم بین هویت حرفه‌ای و فرآیند تجاری سازی باعث ایجاد یک پدیده تازه به نام حرفه ای سازی سازمان گشته است.

روش شناسی

در تفکیک ماهیت روش شناسی مطالعات علمی در علوم انسانی، همواره سه مبنای نتیجه، هدف و نوع داده تعیین کننده شناخت از پیاده سازی یک مطالعه تلقی می شود. بر این اساس این مطالعه به لحاظ معیار هدف، در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می گیرد. به این دلیل که با تعیین مضامین و مقوله‌های کارکرد سرمایه اجتماعی موسسات حسابرسی از طریق تحلیل متن کاوی رپیدماینر و الگوریتم هارتینگن-ونگ، اقدام به بسط سناریوهای تفسیری می شود که با ترکیب ابزارهای استاندارد هویت گروهی و هویت حرفه‌ای به عنوان متغیر مستقل، مطالعه به صورت نیمه تجربی تلاش دارد تا تفاوت شدت تأثیرگذاری این متغیرها را بر کارکردهای سرمایه اجتماعی موسسات حسابرسی مورد کنکاش قرار دهد. به لحاظ نوع نتیجه، این مطالعه توسعه‌ای تلقی می شود، چراکه به دلیل فقدان یک چارچوب نظری در خصوص بسط کارکردهای سرمایه اجتماعی در بستر حرفه حسابرسی، این مطالعه تلاش دارد تا براساس تکنیک متن کاوی، اقدام به تعیین مقوله‌ها و مضامین مرتبط این پدیده محوری نماید تا امکان یکپارچه سازی ادراکی و مفهومی حوزه‌های استدلالی در ادراک و محرک‌های انگیزه بخش عملکردی حسابرسان ممکن گردد. در انتها نیز این مطالعه براساس معیار نوع داده، ترکیبی یا اصطلاحاً دو فازی تلقی می شود. چراکه در فاز کیفی ابتدا با مرور نظاممند مطالعه‌های دسته بندی شده به دنبال تعیین مقوله‌ها و مضامین کارکردهای سرمایه اجتماعی موسسات حسابرسی می باشد که تا قبل چارچوب نظری منسجمی در حرفه حسابرسی برای آن ایجاد نشده است یا اساساً از یکپارچگی نظری کافی برخوردار نمی باشند. سپس با انجام

فرآیند دلفی براساس دو معیار میانگین و ضریب توافق، مطالعه به دنبال سنجش پایایی معیارهای برآمده از مرحله رپیدماینر می باشد تا امکان تبیین آن‌ها در بستر مطالعه در فاز کمی محقق گردد. در فاز کمی مطالعه نیز از تحلیل واریانس بهره برده می شود تا با ترکیب ابزارهای پرسشنامه‌ای استاندارد دو متغیر هویت گروهی و هویت حرفه‌ای با سناریوهای تدوین شده، امکان پاسخ به سوالات پژوهش مهیا گردد. براین اساس به واسطه استفاده از رویکرد استقرائی ابتدا با اقتباس از موضوعات و تحقیقات گذشته براساس تحلیل ساختار محتوایی معیارهای مرتبط با کارکردهای سرمایه اجتماعی موسسات حسابرسی مشخص خواهند شد. سپس مقوله‌ها و مضامین پدیدار شده از مرحله متن کاوی از طریق تحلیل دلفی کنکاش می شوند تا امکان تعمیم معیارهای شناسایی شده از طریق سناریو به بستر مطالعه ممکن باشد. در نهایت براساس سازوکار قیاسی نیز مجموعه آزمون‌های پیش فرض تحلیل واریانس صورت می گیرد تا اقدام تعیین تفاوت کارکردهای سرمایه اجتماعی موسسات حسابرسی تحت هویت حرفه‌ای و هویت گروهی در جامعه هدف گردد. لذا در ادامه به منظور شناخت بهتر مطالعه، چارچوب روش شناسی ارائه می گردد تا مبانی توضیح داده شده، شناخت بیشتری را از انجام مطالعه ایجاد کند.



شکل (۱) فرآیند پیاده سازی تحلیلی براساس روش شناسی

لذا همانطور که مشاهده می شود، با آماده سازی فرآیند اجرای مطالعه از نظر داده کاوی و ویژگی‌های بستر مطالعه، سنجش پارامترهای متن کاوی رپیدماینر آغاز می شود تا با خوشه بندی

شباهت سینوسی^۱ در نرم‌افزار نُت‌بینز آی‌دی^۲ تعیین کند تا با فراوانی‌سازی تعداد تکرار در پژوهش‌های مشابه، مضامین قابل بسطی که به پدیده محوری می‌توانند معنابخشی نمایند را مشخص نمایند. در واقع الگوریتم خوشه‌بندی پیش‌پردازش شده‌ی اسناد علمی، امکان پالایش محتوای پژوهش‌ها را ممکن می‌کند تا در نهایت با بازآرایی مفهومی مضامین گزاره‌ای شده، مقوله‌ها را به تعداد مضامین از طریق مقیاس ضریب فاصله^۳ تعیین کنند. در نهایت اقدام به کدگذاری مقوله‌ای مفاهیم شناسایی شده می‌شود تا در این مرحله هرکدام از این مفاهیم در زیرمجموعه‌ای از مفاهیم بزرگتر تعیین شوند و در نرم‌افزار اکسل براساس زبانه‌ی PIVOT TABLE تفکیک هر یک از مضامین در مقوله‌ها صورت گیرد.

سپس می‌بایست مضامین گزاره‌ای و مقوله‌های نهایی برای امکان ساخت سناریو، توسط خبرگان مورد تناسب سازی محتوایی قرار گیرد که آیا امکان تبیین این ابعاد در بستر مطالعه به صورت یک سناریوهای قابل تحلیل را دارند یا خیر. برای این منظور از تحلیل دلفی بهره برده شد. برای این منظور اقدام به تهیه چک لیست‌های امتیازی و مقایسه بندی آن به صورت هفت گزینه‌ای گردید تا طبق دو معیار متداول ضریب توافق و میانگین در این تحلیل، پایایی ابعاد شناسایی شده تأیید گردد. لذا به منظور طی این فرآیند از خبرگان در خواست شد تا نسبت به امتیاز دادن به هر یک از مضامین گزاره‌ای طی چند مرحله اقدام کنند تا حد اجماع نظری در این رابطه تعیین گردد. با ایجاد یک سیکل فرآیندی مطابق شکل (۲) تلاش شد تا مطالعه از مسیر فرآیند تحلیلی برای ارتقاء همکاری خبرگان خارج نگردد.

پژوهش‌های انتخابی، انجام مقیاس اقلیدسی صورت گیرد و مضامین گزاره‌ای برآمده از متون پژوهشی مبنای تفکیک مقوله‌ها قرار داده شود. سپس با انجام تحلیل دلفی امکان سناریوپردازی پدیده محوری ایجاد می‌گردد تا در نهایت براساس پیاده‌سازی تحلیل واریانس، اقدام به آزمون فرضیه‌های پژوهش گردد.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

همانطور که از ماهیت عنوان بخش دوم روش شناسی بر می‌آید، پژوهش‌ها برای تقویت فرآیندهای تحلیلی نیاز به ارائه‌ی شیوه‌هایی برای پیاده‌سازی اهداف پژوهش دارند. در این مطالعه نیز به دلیل ترکیبی بودن مطالعه طی دو بخش کیفی و کمی، به تفکیک اقدام به ارائه‌ی ابزارها و شیوه‌های گردآوری داده‌ها می‌شود.

شیوه و ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش در بخش کیفی

بخش کیفی این مطالعه به واسطه‌ی عدم وجود ابعاد قابل بسط به بستر مطالعه، از طریق متن کاوی و روش‌های الگوریتمی مورد استفاده در رپیدماینر به دنبال شناسایی ابعاد قابل سنجشی از مفهوم کارکرد سرمایه اجتماعی مؤسسه‌های حساسرسی می‌باشد. بر این اساس در این بخش، در گام اول از روش K – Means تلاش می‌شود تا نسبت به خوشه بندی پژوهش‌های مشابه با پدیده محوری اقدام گردد تا در گام دوم با محاسبه‌ی فاصله اقلیدسی، واژگان مرتبط با موضوع پژوهش از طریق تکنیک

	تعیین خبرگان	جمع‌آوری مرحله اول	تعیین نتایج دلفی	جمع‌آوری مرحله دوم	تناسب‌سازی محتوایی
سناریو	با هماهنگی‌های صورت گرفته با خبرگان و پس از مرور چندباره فرآیندهای فاز متن‌کاوی، چک‌لیست‌ها از طرق مختلف در اختیار آنان قرار گرفت تا امتیازهای ۱ تا ۷ را به هر مضمون گزاره‌ای اختصاص دهند.	با اختصاص امتیازهای ارائه شده توسط خبرگان، مجدداً در بازه زمانی ۱۵ روزه اقدام به جمع‌آوری چک لیست‌های دلفی گردید تا از طریق نرم‌افزار اس‌اس و ضریب کاپا، میانگین و سطح توافق خبرگان تعیین شود.	با جمع‌آوری چک‌لیست‌ها و صورت گرفتن تحلیل‌ها، می‌بایست مضامینی که حد مطلوبیت تحلیل مطابق دستورالعمل‌های مربوطه (میانگین بالاتر از ۵/۰۰ و ضریب توافق بالاتر از ۰/۵) را کسب نمودند، حذف شوند و مجدداً بین خبرگان توزیع گردند.	در این مرحله چک‌لیست‌های امتیازی توزیع شده در بین خبرگان، مجدداً طی هماهنگی‌های صورت گرفت جمع‌آوری می‌شود تا اقدام به انجام مراحل تحلیلی اول گردد.	در نهایت براساس ماهیت تحلیل میانگین و ضریب توافق در مرحله دوم تحلیل دلفی، تناسب‌سازی محتوایی مضامین گزاره‌ای برای تبیین آن‌ها در بستر مطالعه ممکن می‌گردد.

شکل (۲) شماتیک سیکل پیاده‌سازی تحلیل دلفی

³ Distance

¹ Cosine similarity

² NetBeans IDE

شیوه و ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش در بخش کمی

در فاز کمی این مطالعه، با در نظر گرفتن شیوه‌های تحلیل تجربی مبتنی بر طی فرآیندهای سناریوسازی پرسشنامه‌ای به صورت ماتریس $m \times n$ از تحلیل واریانس استفاده می‌شود. برای این منظور مطابق سناریوهای قرار داده شده در بخش مضامین، پرسشنامه‌های محقق ساختی براساس معیارهای دو متغیر مستقل و برونزا هویت گروهی و هویت حرفه‌ای ایجاد می‌شود تا با جمع‌آوری داده‌ها از مشارکت‌کنندگان بخش کمی اقدام به ارزیابی واریانس مبنی بر تعیین تفاوت شدت تأثیرگذاری این متغیرها بر کارکردهای سرمایه اجتماعی در حسابرسی شود. دوره پرسشگری پژوهش ۶ ماه بوده است و تلاش شد تا مشارکت‌کنندگان با آرامش و بدون هیجانات محیطی و ادراکی اقدام به همکاری و پُر نمودن آن‌ها نماید. محققان نیز متعهد شدند تا نتیجه‌ای از انجام پژوهش را در اختیار آنان قرار دهند، چراکه محتوای کاربردی پژوهش، می‌تواند به شرکای حسابرسی در تبیین شناخت بهتر از اشاعه‌ی ارزش‌های مورد تأکید اجتماعی در مؤسسه حسابرسی کمک نماید و راهبردهای استراتژیک را بازآفرینی و یا متحول کند.

جامعه هدف و روش تعیین نمونه در پژوهش

در این مطالعه بر مبنای دو فازی بودن فرآیندهای جمع‌آوری داده‌ها به صورت کیفی و کمی، جامعه آماری به تفکیک مورد توصیف قرار می‌گیرد.

جامعه هدف و مبنای نمونه‌گیری در فرآیند تحلیل کیفی

در فاز کیفی و پیاده‌سازی فرآیند تحلیل دلفی، لازم بود تا از رویکردهای تخصصی خبرگان در قالب ابزار چک لیست‌های مقیاس‌بندی شده‌ی تحلیل دلفی بهره برده شود. چراکه مضامین برآمده از تکنیک متن کاوی در رپیدمایتر، نیازمند اجماع سازی نظری در بستر حرفه حسابرسی بود. لذا از حضور ۱۵ خبره دانشگاهی در زمینه حسابرسی رفتاری و اخلاقی براساس فرآیند نمونه‌گیری هدفمند بهره برده شد. این افراد به واسطه‌ی تعیین دو معیار زیر برای انتخاب مدنظر قرار گرفتند.

- ❖ اولاً دارای سابقه آموزشی و طرح درس در زمینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش بوند
- ❖ ثانیاً سابقه پژوهشی در حوزه‌های رفتار حرفه‌ای حسابرسی و آشنایی با فرآیند تحلیل‌های مرتبط با این پژوهش بودند.

لازم به توضیح است باتوجه به ماهیت مطالعه و مفهوم مورد بررسی، تمرکز بر شیوه نمونه‌گیری همگن به انتخاب هدفمند خبرگان برای مشارکت در بخش کیفی مطالعه کمک می‌نمود. زیرا هدف مهم و حائز اهمیت در این پژوهش این بود، انتخاب خبرگانی بود که دارای دید نظری در رابطه با موضوع پژوهش باشند. همچنین در این شیوه نمونه‌گیری تعداد مشارکت‌کنندگان محدود است، چراکه ارتباط و انسجام بین مضامین و مقوله‌ها مدنظر بود

جامعه هدف و مبنای نمونه‌گیری در فرآیند تحلیل کمی

در فاز کمی این مطالعه، از حسابرسان دارای سابقه حرفه‌ای در مؤسسه‌های حسابرسی مستقل بهره برده شد. لذا از آنجاییکه امکان تعیین حجم نمونه مشخص براساس ماهیت تحلیل واریانس در فاز کمی مطالعه وجود نداشت، در این بخش از تکنیک دروازه‌بان اطلاعات به واسطه‌ی روابط یکی از محققان با مؤسسه‌های حسابرسی، استفاده شد. در این تکنیک، باهدف افزایش سینرژی مشارکت، افراد مورد تأیید محققان این مطالعه، با درک توضیح‌های اولیه، پرسشنامه‌ها را در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار دادند تا از صحت جمع‌آوری داده‌ها اطمینان حاصل شود. انجام این کار ضمن افزایش کارایی انتخاب متناسب‌ترین افراد، باعث می‌گردد تا نمونه انتخاب‌شده بیشتر از صفات و ویژگی‌های همراستا با ماهیت تحلیلی و مفهومی پژوهش جامعه آماری برخوردار باشد. نکته قابل توجه این است که نمونه آماری می‌بایست از دو ویژگی عمده روایی و تناسب حجمی برخوردار باشد.

❖ **روایی نمونه آماری:** روایی نمونه آماری از آن است که بتوان نمونه مورد مطالعه را از نظر همگونی با جامعه مورد مطالعه و دارا بودن ویژگی‌ها و صفات آن، بخشی از جامعه آماری تلقی نمود.

❖ **تناسب حجمی نمونه آماری:** تناسب حجمی نمونه مورد مطالعه در آن است که بخش مورد مطالعه حجم کافی و مناسب داشته باشد، به طوری که از نظر کمی نیز بتوان آن را نمایشگری از جامعه آماری تلقی کرد و نتایج مطالعه را به جامعه تعمیم داد.

لذا با اتکاء به تأیید دو بخش فوق، اقدام به تعیین حجم نمونه شد. کوترنو همکاران^۱ (۲۰۰۵) برای تعیین حجم نمونه در تحلیل‌های واریانس، می‌بایست هر گروه از اعضای جامعه هدف، توان آزمونی برابری از نظر تعداد و آشنایی با موضوع مورد بررسی داشته باشند. براساس این روش در صورتی که سطح خطا ۵

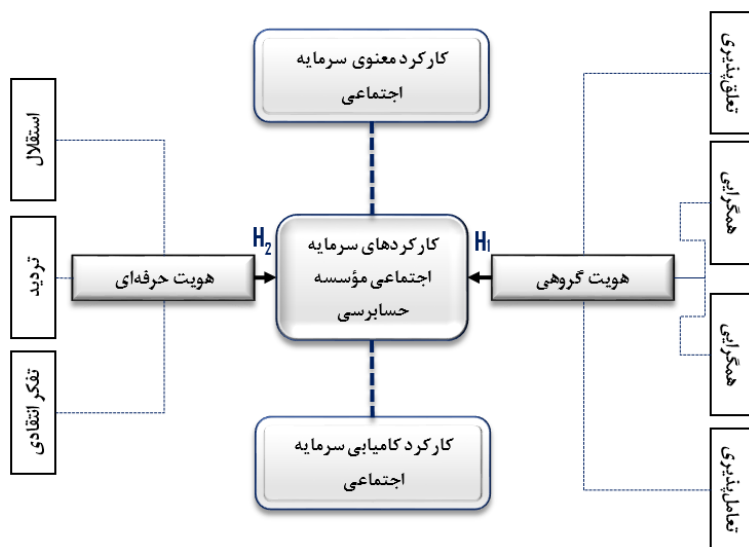
¹ Kutner et al

محوری را شناسایی نماید و براساس آن، سناریوهای پرسشنامه‌ای را برای آزمون فرضیه پژوهش ایجاد نمایند. لذا با اتکاء به مضامین مختلف به مقوله‌های شناسایی شده‌ی کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسه‌های حسابرسی، دو استعاره‌ی سناریویی در تشریح تفاوت دو مؤسسه به عنوان نمونه نگارش شد تا سوالات پژوهش در رابطه با تفاوت شدت تأثیرگذاری هویت گروهی و هویت حرفه‌ای بر دو سناریویی تدوین شده کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسه‌های حسابرسی مشخص گردد. لذا برای این منظور از دو پرسشنامه وان کیننبرگ و همکاران^۱ (۲۰۰۸) برای سنجش هویت گروهی و پرسشنامه استاسک و مالچ (۲۰۲۳) برای سنجش هویت حرفه‌ای استفاده شد تا تأثیر ابعاد ارائه شده در شکل (۳) به عنوان چارچوب نظری، بر سناریوهای تدوین شده ماتریس « $m \times n$ » مورد بررسی قرار گیرند. براین اساس می‌توان چارچوب نظری پژوهش برای انجام آزمون در فصل چهارم پژوهش را به ترتیب زیر ارائه داد:

درصد، توان آزمون ۹۰ درصد، تعداد ۲ گروه و اثر اندازه در حدود یک تعیین شدند. لذا باتوجه به جامعه هدف ۱۶۰ نفر، براساس ماهیت استعاره‌ی سناریوسازی شده، دو گروه ۸۰ نفر براساس تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی در خصوص تفاوت کارکردهای شناسایی شده سرمایه اجتماعی مؤسسه‌های حسابرسی مشارکت داشتند. لذا پرسشنامه‌ها در دو نمونه ۱۶۰ تأیید در اختیار آنان به عنوان جامعه‌ی هدف قرار گرفت و تمامی پرسشنامه‌ها تکمیل شد و برگشت داده شد.

متغیرها و مدل مفهومی پژوهش

همانطور که پیش‌تر در بخش روش شناسی و توضیح‌های مربوط به اهداف پژوهش ارائه شد، براساس اینکه مبنای تئوریک و عدم چارچوب مفهومی مشخصی در رابطه با بسط کارکردهای سرمایه اجتماعی به بستر حرفه حسابرسی وجود نداشت، این پژوهش از طریق تحلیل ساختار محتوایی تلاش نمود تا ابعاد این پدیده



شکل (۳) چارچوب نظری پژوهش

❖ فرضیه دوم پژوهش) هویت حرفه‌ای کارکنان

شدت تأثیرگذاری معناداری بر ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت نسبت به تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در حسابرسی دارد.

از آزمون تحلیل واریانس استفاده می‌شود که در بخش بعدی نسبت به ابعاد آن توضیح‌های لازم ارائه می‌شود.

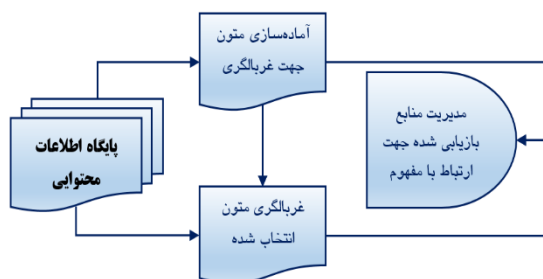
برای انجام آزمون فرضیه پژوهش براساس چارچوب نظری فوق که به ترتیب زیر تدوین شده است:

❖ فرضیه اول پژوهش) هویت گروهی شدت

تأثیرگذاری معناداری بر ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت نسبت به تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در حسابرسی دارد.

^۱ Van Dick et al

متنی و کشف دانش از پایگاه داده‌ها برای تعریف یک پدیده ایجاد گردد. لذا فرآیند متن کاوی را می‌توان روش مؤثر برای کشف زوایایی پنهان یک پدیده تلقی نمود. همچنین تفاوت این روش با سایر روش‌های مرور نظام مند را می‌بایست در بدون ساختار بودن ارزیابی متون پژوهشی تلقی کرد که با استفاده از نسبت معینی از تعداد لغات کد نویسی شده در نرم افزارهای تحلیلی امکان تعیین ابعاد مختلف یک پدیده را ممکن می‌سازد. بر این اساس فرآیند استخراج متن به عنوان روش‌های تعاملی و تکرارشونده مطابق شکل (۴) است.



شکل (۴) مراحل داده کاوی متون پژوهشی مرتبط با ارزیابی پدیده مورد بررسی

همانطور که در شکل (۴) مشخص شده است، روش تکرارشونده برای کشف دانش با ارزش را به نمایش گذاشته است که از فرمت‌های داده‌های متنی اقتباس شده، برای شناسایی ابعاد سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی قابل استخراج می‌باشد. اطلاعات موجود در فرم‌ها از داده‌های متنی، به عنوان ورودی برای آماده‌سازی متن و روش‌های پردازش متن استفاده می‌شود. هر دو مرحله آماده‌سازی و مراحل پردازش متن باید به صورت تعاملی برای پیدا کردن الگوهای مفید و قابل فهم در داده‌هایی که قرار است در مرحله پایانی پیاده‌سازی شوند، یعنی تجزیه و تحلیل متن، به صورت مصور نمایش داده شود. در نهایت، نتایج به دست آمده در قالب جدول‌هایی که محتوایی شناسایی شده در آن قرار می‌گیرد، به نمایش گذاشته می‌شوند. در این پژوهش از سه سطح سیستم ارزیابی برای متن کاوی پدیده مورد بررسی یعنی سرمایه اجتماعی در بستر حرفه حسابرسی با اتکاء به مرور متن پژوهش‌های مشابه بهره گرفته خواهد شد که عبارتند از:

- سطح اول) پردازش محتوای پژوهش‌ها
- سطح دوم) مبنای رابطه‌ای پالایش محتوا
- سطح سوم) تعیین مقوله‌های مرتبط با کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی

لذا در این پژوهش در ابتدا با اتکاء به پرسشنامه وان‌کینپنبرگ و همکاران (۲۰۰۸) تأثیر هویت گروهی را از طریق چهار خرده مقیاس تعلق‌پذیری؛ تعالی‌محوری؛ همگرایی؛ و تعامل‌پذیری را در کارکردهای سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار داد. لذا از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا براساس دو سناریوی « $m \times m$ » ایجاد شده در خصوص توصیف کارکردهای سرمایه اجتماعی، چهار مقیاس تعلق‌پذیری؛ تعالی‌محوری؛ همگرایی؛ و تعامل‌پذیری در گروه را به عنوان مبنای ارزیابی هویت گروهی مورد بررسی قرار دهند. سپس با اتکاء به پرسشنامه استاسک و مالچ (۲۰۲۳) تأثیر هویت حرفه‌ای کارکنان از طریق سه خرده مقیاس استقلال حرفه‌ای؛ تردید حرفه‌ای و تفکر انتقادی، کارکردهای سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. لذا از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا براساس دو سناریوی « $m \times m$ » ایجاد شده در خصوص توصیف کارکردهای سرمایه اجتماعی، سه مقیاس استقلال حرفه‌ای؛ تردید حرفه‌ای و تفکر انتقادی در عملکردهای کارکنان را به عنوان مبنای ارزیابی هویت حرفه‌ای مورد بررسی قرار دهند.

یافته‌های پژوهش

به پشتوانه‌ی تفاسیر روش شناسی ارائه شده، براساس عدم وجود معیارهای قابل بسط سرمایه اجتماعی به صورت یک تحلیل سناریویی در ماتریس‌های پرسشنامه‌ای تحلیل واریانس، در فاز کیفی مطالعه ابتدا می‌بایست نسبت به شناسایی جنبه‌هایی از پدیده سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی اقدام شود تا بتوان با ساخت پرسشنامه بومی، امکان آزمون فرضیه‌های مدون شده‌ی پژوهش را داشت. لذا براساس تکنیک متن کاوی و استفاده از نرم‌افزار ریپیدمانر، تلاش خواهد شد تا جنبه‌های این پدیده شناسایی شود و با انجام تحلیل دلفی برای معیارهای شناسایی شده، اقدام به اعتبارسنجی فرآیندهای پیاده‌سازی شده در فاز کیفی مطالعه می‌شود.

الف) پیاده‌سازی فرآیندهای تحلیلی متن کاوی در فاز کیفی

رویه‌های پیاده‌سازی در تحلیل‌های داده‌کاوی با انعطاف‌پذیر ساختن متون مورد بررسی، پایگاهی از داده‌ها را برای ارزیابی‌های بیشتر ایجاد می‌کند که می‌تواند حاوی داده‌ها متن قابل استنباط برای شکل دادن به ابعاد یک پدیده تلقی گردند. در واقع این پایگاه‌ها اطلاعات را در قالب دسته بندی‌های علمی برای درک هرچه بیشتر آن پدیده به وجود می‌آورند تا براساس امتیازهای فراوانی کسب شده، بالاترین کارکرد استخراج متن از داده‌های

فاصله بین نقاط در خوشه‌های مختلف^۲ می‌باشد. لذا در بستر نرم‌افزار رپیدماینر، می‌بایست نسبت به محاسبه K – Means مجموع پژوهش‌های اولیه اقدام نمود که کد دستوری زیر با عنوان «matplotlib widget» می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود، چند پژوهش می‌تواند در ارزیابی این مفهوم مورد بررسی قرار گیرد.

براین اساس، ۱۰ پژوهش طی سه خوشه متنی، به صورت مجموع و یکپارچه از طریق فرآیند رپیدماینر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فرآیند، ابتدا سه بخش عنوان؛ چکیده و کلمات کلیدی هریک از ۱۰ پژوهش اولیه در نرم‌افزار notepad + وارد شدند تا در نهایت مجموع داده‌ای بالغ بر ۷۸۸ داده‌ی متنی از مقالات ایجاد گردید. در این مرحله خوشه‌بندی برپایه‌ی روش K – Means انجام خواهد شد. در این فرآیند می‌بایست درصد تشابه پژوهش‌های شناسایی شده در خوشه‌ها براساس نرم‌افزار رپیدماینر مورد برآورد قرار گیرد تا در نهایت برای مقایسه شباهت از فاصله‌ی اقلیدسی استفاده شود.

لذا مجموع ۷۸۸ داده متنی (لغت) ایجاد شده در قالب ۱۰۰ پژوهش اولیه، با کلمات کلیدی شامل [۱] ارزش‌های اجتماعی؛ [۲] هنجارهای اجتماعی؛ [۳] یکپارچگی اجتماعی و [۴] ارتباطات متعامل اقدام به خوشه‌بندی پژوهش‌ها برای تعیین داده‌های مرتبط نمود. در واقع کلیدواژگان مورد استفاده، با مرور پژوهش‌های مشابه متمرکز بر روی سرمایه اجتماعی انتخاب شده‌اند تا بتواند، امکان ارزیابی پژوهش‌ها جهت شناسایی مضامین و مقوله‌های مرتبط با پدیدارشدن سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی را ممکن نماید. لذا پس محاسبه‌ی الگوریتم K – Means براساس مقایسه شباهت از رابطه اقلیدسی که در ادامه میانگین مرتبط به این مقیاس تعیین می‌شود، مشخص شد، مجموعاً ۱۰ سند مورد ارزیابی در بازه زمانی تعیین شده، در قالب سه گروه به صورت خوشه‌بندی شده امکان تعیین ابعاد سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی را دارا می‌باشند. براین اساس با استفاده از کدهای دستوری تعیین شده به صورت دو خوشه مشخص، می‌تواند جدول (۲) را برای تعیین خوشه‌های مرتبط به زمینه‌یابی سرمایه اجتماعی در حسابرسی ترتیب داد. همانطور که مشاهده می‌شود، خوشه براساس گره‌ها و ضرایب تعیین شده، حد مطلوبیت انتخاب پژوهش‌ها را براساس تعداد اولیه نشان می‌دهد. لذا بالاترین ضریب پژوهش کسب شده ۰/۸۷۲ و پایین‌ترین آن ۰/۲۶۹ می‌باشد. در واقع این حد فاصل، مبنای تعیین خوشه‌های نهایی است. لازم به ذکر است که ضریب

براین اساس باهدف دستیابی پاسخ به سوالات بیان شده، در نخستین گام بررسی و تحلیل فرمت داده‌های متنی، اطلاعات محتوای پژوهش‌های مورد بررسی به صورت مستندات متنی در دسترس باشند. براین منظور ابتدا می‌بایست نسبت به تعیین پژوهش‌های مشخص در بازه زمانی چند سال گذشته اقدام نمود. علت چنین بازه زمانی برای مرور متن کاوی پژوهش‌های مشابه، وام‌گیری از پژوهش‌هایی است که به انحاء مختلف مسئله سرمایه اجتماعی را از زوایای جدیدتری مورد بررسی قرار داده‌اند.

سطح اول) پردازش محتوای پژوهش‌ها

این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های متنی کمک می‌کند تا با استفاده از الگوریتم‌های داده‌کاوی مختلف، داده‌هایی حاصل گردد تا نشان دهنده‌ی بار معنایی لغات و عبارات‌های تعریف شده در متن محتوای انتخاب شده باشند. روش‌های نمایش داده‌های مختلف که در این سطح استفاده می‌شوند که عبارتند از:

(۱) بسامد کلمه^۱ (TF)

(۲) بسامد معکوس اسناد^۲ (IDF)

انتخاب نماینده از داده‌ها باید از طریق آزمایش‌های گسترده و با در نظر گرفتن کل فضای اطلاعات باشد که کل موارد از طریق ماتریس صورت می‌پذیرد. در حال حاضر، این پژوهش بر استفاده از تکنیک‌های خوشه‌بندی برای افزایش داده‌ها به زیر مجموعه‌های مفید از اطلاعات در هر خوشه متمرکز کرده است. خوشه‌بندی پردازشی است که با استفاده از معیارهای فیزیکی یا کمی، اطلاعات و داده‌ها را به گروه‌هایی با خواص مشابه دسته‌بندی می‌کند. این معیار کیفی می‌تواند براساس مرکز ثقل خوشه، عمل خوشه‌بندی را انجام دهد. تکنیک دیگر در یافتن شبیه‌ترین اعضا از طریق Terms (مجموعه عبارت‌ها) و روش K – Means است تا اولین سطح دانش را از بین ارتباطات طبیعی کشف کند. یکی از معیارهای مهم خوشه‌بندی، محاسبه‌ی فاصله اقلیدسی است که از این رابطه در روش خوشه‌بندی K – Means نیز می‌توان استفاده نمود.

$$\operatorname{argmin} \sum_{i=1}^k \sum_{x \in S_i} \|x - \mu_i\|^2 = \operatorname{argmin} \sum_{i=1}^k |S_i| \operatorname{Var} S_i \quad (1)$$

براساس رابطه‌ی فوق؛ μ_i میانگین خوشه‌های انتخابی؛ S_i و $|S_i|$ تعداد اعضای خوشه i ام؛ X تعداد کل پژوهش‌های تشکیل‌دهنده‌ی خوشه. توجه به این موضوع مهم است که کمینه‌کردن این مقدار به معنی بیشینه‌سازی میانگین مربعات

³ Between-Cluster Sum of Squares- BCSS

¹ Term Frequency

² Inverse Document Frequency

خطای ۰/۰۰۶ نیز در خوشه‌ی سمت چپ نشان دهنده‌ی کمترین سطح مشابهت با کلید واژگان اولیه تعیین شده می‌باشد. لذا با ارجاع به جدول (۱) عناوین پژوهشی خوشه بندی شده جهت غربالگری مبتنی بر مقایسه شباهت اقلیدسی از طریق الگوریتم K - Means ارائه می‌شود.

جدول (۱) فرآیند شناخت پژوهش‌های خوشه‌بندی شده

ردیف	نام نویسندگان	عنوان پژوهش تأیید شده	تحلیل	خوشه
P1	سراپایونچ و همکاران (۲۰۲۴)	SME clients evaluation of audit quality: the roles of auditors' communication effectiveness, rapport and social capital	ترکیبی	سوم
P2	آزقندی و همکاران ^۱ (۲۰۲۳)	Psychological ownership in social media influencer marketing	سری زمانی	اول
P3	آلباوات ^۲ (۲۰۲۲)	Tacit knowledge sharing in small audit firms and audit quality inputs: the antecedent effect of auditors' social capital	حداقل مربعات جزئی	دوم
P4	رمضانی و همکاران ^۳ (۲۰۲۲)	The Role of Culture in Auditors' Social Norms and Audit Quality in Iran's Environmental Conditions	معادلات ساختاری	دوم
P5	رضائی‌راد و کوشکی‌جهرمی ^۴ (۲۰۲۲)	The effect of self-fulfilling prophecy on developing auditors' ethical values	معادلات ساختاری	دوم
P6	سینگه و لی ^۵ (۲۰۲۰)	Social inequality and access to social capital in microfinance interventions	ترکیبی	سوم
P7	بلای و همکاران ^۶ (۲۰۲۱)	Can Social Norm Activation Improve Audit Quality? Evidence from an Experimental Audit Market	سری زمانی	اول
P8	پیت‌من و همکاران ^۷ (۲۰۲۰)	Individual Auditor Social Responsibility and Audit Quality: Evidence from China	حداقل مربعات جزئی	دوم
P9	جاها و چن ^۸ (۲۰۲۰)	Audit Fees and Social Capital	سری زمانی	اول
P10	بیانچی و ویتا ^۹ (۲۰۲۰)	Co-operatives, territories and social capital: reconsidering a theoretical framework	ترکیبی	سوم

طبق جدول (۱) انتخاب ۱۰ پژوهش براساس نوع تحلیل‌های مورد استفاده و مبنای خوشه‌بندی مطابق با شکل (۳-۴) نشان دهنده‌ی این موضوع است که برای دسته‌بندی پژوهش‌ها در خوشه‌ی سه تایی ایجاد شده، ویژگی تحلیل‌ها و کلید واژگان پایه تفکیک قلمداد شده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود، سه گروه از تحلیل‌ها براساس فرآیندهای تحلیلی از منظر تفکیک حوزه‌ی روش‌شناسی کیفی و کمی دسته‌بندی شده‌اند. در ادامه طبق الگوریتم هارتیگان-ونگ^{۱۰} تلاش شد تا K - Means محاسبه شود. الگوریتم هارتیگان-ونگ یکی از روش‌های پیشرفته در خوشه‌بندی k-میانگین محسوب می‌شود که از رابطه زیر برای تعریف محاسباتی آن استفاده می‌شود:

براساس رابطه فوق؛ S_i تفکیک گروه‌ها در مجموعه‌ای از پژوهش‌های تأیید شده می‌باشند که براساس، $S = \{S_1, S_2, S_3, \dots, S_k\}$ تعریف می‌شود؛ μ_i تعداد اعضای خوشه μ_i محسوب می‌شود به طوریکه $\{1, 2, 3, \dots, k\} = z$. براین اساس باتوجه به تعداد اعضای خوشه رابطه‌ی زیر برای تعیین توزیع فراوانی ارائه می‌شود:

$$\mu_i = \frac{\sum_{x \in S_i} X}{n_j} \quad \text{رابطه (۳)}$$

براساس این رابطه؛ n_j تعداد اعضای خوشه μ_i را نشان می‌دهد. به طوریکه $\{1, 2, 3, \dots, k\} = z$. لذا می‌بایست برای نشان دادن تعداد معیارهای هر پژوهش جهت انتخاب بهترین آن‌ها از K به عنوان نماد K - Means استفاده نمود.

$$\phi(S_i) = \sum_{x \in S_i} (x - \mu_i)^2 \quad \text{رابطه (۲)}$$

⁶ Blay et al

⁷ Pittman et al

⁸ Jha and Chen

⁹ Bianchi and Vieta

¹⁰ Hartigan-Wong

¹ Azghandi et al

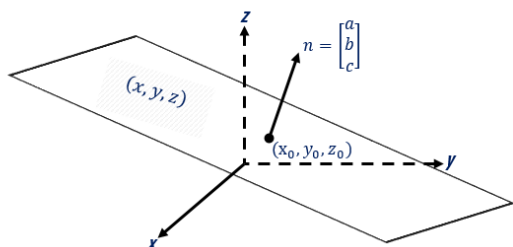
² Albawwat

³ Ramezani et al

⁴ Rezaeirad and Koushki Jahromi

⁵ Singh and Lee

داده می‌شوند (سالتون و همکاران^۲، ۱۹۷۵). هر محور این فضا متناظر با یک کلمه یا عبارت است.



شکل (۵) محورهای متناظر از نظر تشابه

جهت اجرای این بخش، باتوجه به زبان تخصصی نرم‌افزار نت‌بینز آی‌دی^۳ به انگلیسی، می‌بایست بخش‌های نظری خوشه بندی‌های متنی پژوهش‌های تعیین شده را وارد این نرم افزار نمود. سپس براساس لغات متناظر از نظر تشابه به یک تعداد از اعداد برداری تبدیل می‌شوند تا تعیین کننده‌ی «n» مولفه (به تعداد عبارات منحصر به فرد در متون قرار گرفته شده) باشند. در این پژوهش لغاتی که فاقد بارمعنایی باشند (لغات توقف) از قبیل حروف اضافه و کلماتی که معنای مشخصی ندارند، حذف می‌گردند تا باعث انحراف در تعیین معیارها نگردند. اگرچه مبنای مشخصی برای حذف تکرارها در نرم‌افزار نت‌بینز تعریف نشده است، لذا با استناد شیوه پیشنهاد شده‌ی رضایی^۴ (۲۰۰۱) مبنی بر مشخص نمودن مجموعه لغات توقف، اقدام به حذف برخی از لغات تکراری در خوشه‌ها می‌شود. برای این منظور از طریق فیلترکردن کلمات و اصطلاحاً توکنیزه کردن متن، کلمات ربط، نامفهوم و غیرملموس در بستر مطالعه در پاراگراف‌های تعیین شده نظری حذف می‌شوند. همچنین دراین پژوهش عمل ریشه‌یابی لغات نیز صورت گرفته است. به این معناکه مثلاً واژگان فضیلت یا فلسفه هر دو به عنوان یک لغت در نظر گرفته شدند. سپس بر مبنای تعداد تکرار فراوانی هر لغت محتوایی، هر متن مشخص و منحصر به فرد در توصیف سرمایه اجتماعی به یک بردار ریاضی به ترتیب رابطه‌ی زیر تبدیل شد.

$$v = (w_1, w_2, w_3, \dots, w_n) \quad (4)$$

باتوجه به تعیین سه خوشه از پژوهش‌های مورد مطالعه جهت تعیین مضامین و مقوله‌ها، می‌بایست برای تعیین میزان مشابهت فراوانی مضامین در مطالعه‌ها، خوشه‌های ایجاد شده براساس

در واقع با پیش پردازش بروی داده‌ها توسط ریدماینر که به صورت خودکار بر مبنای ماهیت کلیدواژه‌های تعیین شده، صورت پذیرفت، براساس توکن‌سازی و فیلتر نمودن توکن‌های بسیار کوچک حذف و در واقع ایست واژه‌ها انجام می‌شود. لذا خوشه‌بندی بروی ۱۰۰ سند اولیه در قالب تفکیک محتوا به ۱۰ سند سه خوشه‌ای تفکیک شده است. لذا براساس تجمیع محتوای اسناد در قالب سه خوشه مشخص شده، نتایج نشان‌دهنده‌ی همبستگی و یکنواختی پژوهش‌های انتخاب شده برای تعیین ابعاد سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی دارد و دقت آن را تأیید می‌نماید.

سطح دوم) مبنای رابطه‌ای پالایش محتوا

در این مرحله جهت بررسی میزان مشابهت پژوهش‌های قرار گرفته در خوشه‌ها، می‌بایست از طریق محاسبه‌ی میزان شباهت هریک از پژوهش‌های خوشه‌بندی شده، مقوله‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی در حسابرسی تعیین شوند. بدین منظور، ابتدا پژوهش‌های خوشه‌پردازش تصویر و شبکه عصبی مورد مقایسه قرار می‌گیرند. برای مقایسه شباهت از فاصله اقلیدسی استفاده شده است.

سطح سوم) تعیین مقوله‌های مرتبط سرمایه اجتماعی حسابرسی

در این بخش از یک شاخص نماینده جایگزین برای تعیین مقوله‌های مرتبط با کارکردهای سرمایه اجتماعی استفاده شده است. طبق این روش اگر چند پژوهش دارای مضامین مشابهی باشند، می‌توان مقوله‌ای برای پدیده محوری این مطالعه تعریف نمود. لذا با استفاده از تکنیک شباهت کسینوسی^۱ پژوهش‌های هر خوشه اقدام به تعیین درصد مشابهت‌ها می‌شود. از این تکنیک بیشتر در علوم کامپیوتر و مهندسی جهت مقایسه میزان تشابه چند رشته متن یا سند استفاده می‌شود. در این روش همه کلمه‌های موجود در یک مجموعه از متون به صورت یک بردار مرجع نمایش داده می‌شود و برای هر سند باتوجه به تعداد کلمات استفاده شده در آن و تعداد تکرار کلمات، یک بردار معادل ساخته می‌شود. برای محاسبه درجه شباهت دوسند فاصله بردارهای اسناد محاسبه می‌شود. این میزان نزدیکی، معمولاً به نام مشابهت کسینوسی شناخته می‌شود. در مدل فضای برداری، متون به شکل بردارهایی در فضای چندبعدی اقلیدسی نمایش

³ NetBeans IDE

⁴ Rezaie

¹ Cosine similarity

² Salton et al

نکته قابل توجه این است که زاویه بین دو بردار تعیین کننده‌ی درجه تشابه دو متن براساس خوشه‌های طبقه‌بندی شده می‌باشد که بین صفر تا یک ضرایب آن تعریف می‌شوند. بنابراین اگر زاویه‌ی بین دو بردار یک باشد، این نتیجه نشان‌دهنده‌ی آن است که تشابه بین دو متن از نظر محتوایی شناسایی شده کاملاً دارای تطبیق است، که براین اساس می‌توان استنباط نمود، مبنای انتخاب شده در سنجش کارکرد سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی، می‌تواند به عنوان یک مضمون گزاره‌ای جهت به وجود آوردن یک مقوله مورد استفاده قرار گیرد. اما برعکس اگر زاویه‌ی بین دو بردار صفر باشد، به معنای آن است که تشابهی بین دو متن قابل تطبیق به لحاظ تکرار مفاهیم مربوط به سرمایه اجتماعی وجود ندارد و نمی‌توان نسبت به تعیین مضمون گزاره‌ای اقدام نمود. لذا به تعداد پژوهش‌های تأیید شده در سه خوشه طی فرآیندهای تعریف شده، اقدام به مشابهت سنجی و در نهایت تعیین میانگین مشابهت می‌گردد. برای درک بهتر موضوع، با ارجاع به دو متن تقریباً مشابه در پژوهش‌های P1 و P6 در جدول (۳) که در خوشه اول مستقر شده‌اند، اقدام به تعیین مشابهت مضمونی می‌شود.

P₁ = The normative nature of social capital is considered a basis for improving professional performance.
 P₆ = Behavioral normativity is known as a factor in the development of social capital for professional functions.

لذا باتوجه به کدهای تعیین شده، می‌توان طول دو متن مشابه به صورت زیر ارائه نمود:

$$\|v_1\| = \sqrt{1^2+1^2+1^2+1^2+1^2+0^2} = 2.236$$

$$\|v_1\| = \sqrt{1^2+1^2+1^2+1^2+0^2+1^2} = 2.236$$

سپس می‌بایست ضرب داخلی طول دو بردار مشابه به صورت زیر محاسبه شوند:

$$v_1 \times v_2 = (1 \times 1 + 1 \times 1 + 1 \times 1 + 1 \times 1 + 1 \times 1 + 1 \times 0) = 4$$

در نهایت برای تعیین ضریب تشابه دو متن از رابطه‌ی زیر استفاده می‌شود:

$$sim_{doc\ v_1, v_2} = \cos(\theta) = \frac{4}{\sqrt{5} \times \sqrt{5}} = 0/618$$

لذا براین اساس مشخص گردید، دو عبارت مشابه در متن برابر با ۰/۶۱۸ تشابه دارند. این مشابهت تحت یک مضمون در کنار سایر مضامین تعیین می‌شود تا براساس آن مقوله‌ی مرتبط

سه بردار از نظر تشابه مورد بررسی قرار گیرند. هر بردار «v» دارای مقادیر ویژه‌ای یا وزن به تعداد کلمات به کار رفته در مقاله‌های مرتبط می‌باشند. در مرحله بعدی طول هر بردار از طریق رابطه (۵) به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\|v_i\| = \sqrt{w_1^2 + w_2^2 + \dots + w_n^2} \quad (5)$$

سپس میزان تشابه هریک از متون به صورت $v_1 \times v_2$ (ضرب اسکالر) از طریق رابطه‌ی (۶) به صورت زیر محاسبه شود:

$$v_1 \times v_2 = w_{1i}w_{1j} + w_{2i}w_{2j} + w_{ni}w_{nj} \quad (6)$$

در نهایت نیز می‌بایست زاویه بین دو بردار (دو متن از خوشه‌های انتخاب شده) از یک مفهوم که نشان‌دهنده‌ی یک مبنا از کارکرد سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی است، از طریق رابطه (۷) به صورت زیر محاسبه شود:

$$sim_{doc\ v_1, v_2} = \cos(\theta) = \frac{v_1 \times v_2}{\|v_1\| \times \|v_2\|} \quad (7)$$

با تعیین تعداد لغات مشابه در دو متن نمونه ارائه شده، مشخص شد، لغات هنجارگرایی (Normative)؛ سرمایه اجتماعی (social capital)؛ عملکرد عملکردهای حرفه‌ای (professional performance) در دو متن تکرار شده اند که برای محاسبه آن برای رسیدن به مضامین گزاره‌ای، اقدام به تعیین طول بردار می‌شود. لذا با تعیین سه لغت مشخص شده از نظر تشابه و سایر لغات دیگر در دو متن به ترتیب زیر؛

- w₁: Normative
- w₂: social capital
- w₃: professional performance
- w₄: improving
- w₅: functions
- w₆: Behavior

لذا هر بردار را براساس رابطه زیر تعریف نمود:

$$v = (w_1, w_2, w_3, w_4, w_5, w_6)$$

طبق نرم فوق، متن اول و دوم به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$v_1 = (1,1,1,1,1,0)$$

$$v_2 = (1,1,1,1,0,1)$$

آن می‌شود. لذا براساس این فرآیند، مقوله‌ها به دو بخش کلی و مضامین به صورت زیر تفکیک شدند. نکته قابل توجه این است برای تعیین مقوله‌های متناسب با ماهیت پژوهش، می‌بایست همچون فرآیند روایی‌پردازی در تحلیل‌های کیفی، با استناد به شناخت مفاهیم تئوریک در راستای موضوع مورد بررسی، از عناوین مفهومی اثربخش استفاده نمود. در واقع برای تعریف مقوله اصلی و ربط‌دادن مضامین به مقوله‌ها جهت صورت‌بندی ایجاد یک مفهوم هم‌معنا با تئوری‌های مرتبط الگوی تحقیق می‌بایست، درک عمیقی از شناخت نظریه‌های مرتبط با مفهوم مورد بررسی وجود داشته باشد. لذا در انجام این کار که نیازمند تجربه در حوزه‌ی تخصصی بود با مشارکت اساتید برخی مضامین یا روابط بین آن‌ها در الگوی حاصل از کدگذاری مورد پایش قرار گرفت و حذف شدند. به عبارت دیگر، در این مرحله اقدام به حذف زوائد و یا بسط و تعمیم مضامین جهت قرار گرفتن در مقوله‌های پژوهش شد، بخشی که شاید در حوزه‌های پژوهشی قبل به دلیل عدم یکپارچگی نظری، از انسجام لازم برخوردار نبود. لذا با اعتبار سنجی مقوله‌ها و روابط تعریف شده بین آن‌ها می‌توان پس از شناسایی و ارائه‌ی آن در جدول (3) از طریق تحلیل دلفی از آن مطمئن شد.

مشخص شود. لذا جدول (2) مقوله‌های مرتبط با مضامین هریک از متون دارای تشابه را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول (2) مشاهده می‌شود، در ستون اول مضامین گزاره‌ای مرتبط با موضوع کارکردهای سرمایه اجتماعی در حسابرسی را نشان می‌دهد و ستون دوم تکرار هر عبارت و لغت یافته شده در مجموع چندبار تکرار را به تصویر می‌کشد. ستون سوم نیز «dem freq» نیز درصد تکرار لغات یافت شده بر تعداد کل پژوهش‌های اولیه تأیید شده (۱۰ پژوهش)، را نشان می‌دهد. سایر ستون‌ها که سال بررسی مقاله‌های مرتبط را نشان می‌دهد، بیان‌کننده‌ی تعداد تکرار لغات انتخاب شده در سال مربوط به پژوهش انتخاب شده می‌باشد. به عنوان مثال مشخص شده است، واژه «تعهدمندی اجتماعی» در پژوهش‌های انتخاب شده مجموعاً با ۷۸ بار تکرار از مشابهت بالاتری در توصیف سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی برخوردار می‌باشد. پس از این مرحله با باز تعریف مضامین گزاره‌ای طبق جدول (3-4) مقوله یابی مضامین مرتبط برای تدوین سناریوی ماتریس وارینانس در بخش کمی مدنظر می‌بایست قرار گیرد. لذا با استفاده از زبانه‌ی PIVOT TABLE در نرم‌افزار اکسل^۱، اقدام به تعیین زیرمجموعه‌های هر مقوله و شناسایی مضامین مرتبط به

جدول (2) مضامین گزاره‌ای برآمده از متون مشابهت‌یابی شده

تعداد	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	درصد تکرار	تکرار مضامین	تشابه مضمونی
۱۵	۷	۸	۵	۲	۴۶۹٪	۳۷	تعامل‌گرایی اجتماعی	
۲۱	۸	۱۰	۴	۳	۵۸۳٪	۴۶	اشتراک‌گذاری حرفه‌ای	
۱۹	۱۵	۱۳	۹	۵	۷۷۴٪	۶۱	همبستگی اجتماعی	
۱۶	۱۵	۹	۵	۳	۶۰۹٪	۴۸	معرفت‌شناسی حرفه‌ای	
۱۸	۱۵	۲۲	۱۷	۶	۹۸۹٪	۷۸	تعهدمندی به جامعه	
۶	۱۸	۷	۵	۷	۵۴۵٪	۴۳	هنجارهای اجتماعی	
۱۴	۸	۱۰	۴	۳	۴۹۴٪	۳۹	رذیلت فلسفی	
۱۳	۹	۱۱	۵	۴	۵۳۲٪	۴۲	شهروندگرایی	
۱۹	۲۰	۸	۳	۱	۶۴۷٪	۵۱	ابراز خود کنترل‌مدارانه	
۱۳	۹	۵	۷	۲	۴۵۶٪	۳۶	مشارکت اجتماعی	
۱۰	۱۱	۱۶	۳	۸	۶۰۹٪	۴۸	فضیلت‌گرایی	
۹	۶	۱۱	۹	۴	۴۹۴٪	۳۹	وجدان‌گرایی حرفه‌ای	
۲۱	۱۰	۱۵	۱۴	۳	۷۹۹٪	۶۳	پایبندی اخلاقی	
۱۰	۷	۱۹	۱۵	۲	۶۷۲٪	۵۳	همدلی اجتماعی	
۱۸	۱۳	۸	۵	۵	۶۲۱٪	۴۹	خدمت‌گذاری	
۱۰	۱۴	۸	۱۳	۱۰	۶۹۷٪	۵۵	هویت حرفه‌ای	
۲۳۲	۱۸۵	۱۸۰	۱۲۳	۶۸	۱۰۰٪	۷۸۸	جمع فراوانی	

^۱ Pivot Table اکسل به ابزار بسیار کارآمد هست که بوسیله اون می‌توان داده‌های خامی را به اشکال مختلف تبدیل به اطلاعات مفید در حوزه تحلیلی نمود.

جدول (3) کدهای باز و مقوله‌ای یافت شده به علاوه تکرارها

تکرار	مضامین مفهومی	مقوله‌ها	طبقه‌بندی اصلی
۴۸	توسعه ادراکی از معرفت‌شناسی حرفه حسابرسی	کارکرد معنوی سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی حرفه حسابرسی
۳۹	توسعه ادراکی وجدان‌گرایی در حرفه حسابرسی		
۶۳	توسعه ادراکی پایبندگرایی اخلاقی در حرفه حسابرسی		
۵۵	توسعه ادراکی هویت حرفه‌ای در حسابرسی		
۴۹	توسعه ادراکی خدمت‌گذاری در حرفه حسابرسی		
۵۱	توسعه ادراکی خودکنترلی در حرفه حسابرسی		
۴۸	توسعه ادراکی فضیلت‌گرایی در حرفه حسابرسی		
۳۹	توسعه ادراکی رذیلت فلسفی در حرفه حسابرسی	کارکرد کامیابی سرمایه اجتماعی	
۳۶	تحریک مشارکت اجتماعی در حسابرسی		
۵۳	تحریک همدلی اجتماعی در حسابرسی		
۴۳	تحریک هنجارهای اجتماعی در حسابرسی		
۴۲	تحریک شهروندگرایی اجتماعی در حسابرسی		
۷۸	تحریک تعهد اجتماعی در حسابرسی		
۳۷	تحریک تعامل‌گرایی اجتماعی با هم‌تایان در حسابرسی		
۶۱	تحریک همبستگی اجتماعی در حسابرسی		
۴۶	تحریک به اشتراک‌گذاری اجتماعی در حسابرسی		

مضامین گزاره‌ای از سوی دیگر، عناوین مناسبی انتخاب گردد. لذا در این بخش با ارجاع به نظریه‌های بین‌رشته‌ای و مرتبط با حسابرسی، اقدام به انتخاب مقوله‌های مناسب برای مضامین گزاره‌ای بازآرایی شده گردید. در ادامه به منظور درک بهتر از مقوله‌های ایجاد شده همراستا با مضامین گزاره‌ای، اقدام به ارائه تعاریف نظری هر مقوله طبق جدول (4) می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که بیان تکرارها مبنایی برای انتخاب مضامین در راستای مقوله‌ی موردنظر می‌باشد. اما مسئله انتخاب مقوله‌ها در این بخش، جزء تکنیک‌های داستان‌سرایایی در تحلیل‌های کیفی می‌باشد. مبنایی که به محقق اجازه می‌دهد براساس طیف مفهومی مضامین ایجاد شده از یک سو و ارجاع به نظریه‌های مرتبط برای پدیدار نمودن مقوله‌های همراستا با

جدول (4) بیان سیرداستانی تعاریف مقوله‌های شناسایی شده

مقوله‌ها	شرح تئوریک رویکردهای
کارکرد معنوی سرمایه اجتماعی	اولین کارکرد سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی، زمینه‌های توسعه ادراک و بینش درونی در حرفه حسابرسی را شامل می‌شود که غالباً موتور محرک عملکردهای رفتاری در این حرفه تلقی می‌شود. از آنجاییکه سرمایه اجتماعی حمایت ادراک شده در متصدیان حرفه حسابرسی تلقی می‌شود، محتمل‌ترین کارکرد تأثیرگذار بر شناخت در این حرفه، عرصه‌های پدیدار شده‌ی معنویت سرمایه اجتماعی می‌باشد. در واقع این کارکرد که به ظرفیت‌های هستی‌شناسی معنوی در حرفه حسابرسی وابسته است، کمک می‌کند تا ارزش‌های ادراکی همچون وجدان‌گرایی و هویت حرفه‌ای به تشدید رعایت اصول اخلاق‌گرایی خدمتگذار در حرفه حسابرسی بدل گردد. طی شناخت حاصل از مفهوم این پدیده در حسابرسی، متصدیان حرفه‌ای با استطاعت از فضیلت‌های قابل ادراک تلاش می‌کنند تا از سطح پایبندی بیشتری به رذیلت فلسفی در حسابرسی برخوردار باشند و در مسیر کار راه حرفه‌ای خود دچار مادی‌گرایی صرفی که احتمالاً کارکردهای اثربخش حسابرسی را برای ذینفعان تحت تأثیر قرار می‌دهد، نگردند. لذا این سطح از کارکردهای سرمایه اجتماعی را می‌بایست سازوکارهای درون فردی تلقی نمود که بسته به نوع باورهای ساختاریافته در حسابرسی، می‌تواند به تفاوت عملکردهای رفتاری و اخلاقی در حرفه حسابرسی منجر شود.

مقوله‌ها	شرح تئوریک رویکردهای
کامیابی سرمایه اجتماعی	این کارکرد سرمایه اجتماعی که ماحصل نظریه پیگمالیون در عرصه‌های توسعه دهنده‌ی باورهای برآمده از ارزش‌های اجتماعی تلقی می‌شود، به نوع رضایت اجتماعی حسابرسان از حرفه اشاره می‌نماید که منبع تغذیه آن، ارزش‌های قابل بسطی است که در محیط اجتماعی به وجود آمده است و به ظهور مجموعه تحریک‌های اثرگذار بر رفتار جمعی گرایانه حسابرسان منتج می‌گردد. در این کارکرد حرفه حسابرسی به واسطه‌ی ارزش‌هایی رعایت‌پذیری حقوق فردی سایر ذینفعان، تلاش می‌کند تا با محرک کردن انگیزه‌های فراگیر، حسابرسان را برای شکل‌دادن به مشارکت‌های جمعی آماده کند و از این طریق در به وجود آوردن همدلی اجتماعی، هنجارهایی که می‌تواند به وحدت رویه در مشروعیت‌بخشیدن به حرفه حسابرسی را منجر نمایند، بازآفرینی و ترویج نمایند. تحت چنین رویکردهای اثرگذار اجتماعی، شناخت حسابرسان از مفهوم شهروندگرایی اجتماعی تقویت می‌شود و می‌آموزند تا با پایبندی به تعهدات اجتماعی که دارند، اقدام به ارتقاء اثربخش عملکردهای حرفه‌ای خود نمایند. لذا همبستگی ناشی از کارکرد کامیابی سرمایه اجتماعی به تشریح اطلاعات در بین هم‌تایان در حسابرسی کمک می‌کند و رهیافت توسعه چنین اثرگذاری‌های تحریک‌کننده‌ی، ارتقاء تعامل‌گرایی حرفه با بسترهای اجتماعی می‌باشد.

مبتنی بر فرآیندی است که از ساختار پیش‌بینی جهت کمک به تصمیم‌گیری در طی راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی است. تکنیک دلفی فرآیندی ساختارمند جهت گردآوری اطلاعات در طی راندهای متوالی و در نهایت اجماع گروهی است. در این بخش به منظور تأیید/حذف مولفه‌های پژوهش، با استفاده از مشارکت متخصصان (اعضای پانل) براساس دو مقیاس میانگین و ضریب توافق، مولفه‌های ناشی از تحلیل ساختار محتوایی که در جدول (5) براساس مقیاس لیکرت ۷ گزینه‌ای آورده شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لذا با شناخت این تعاریف از منظر بسط تئوریک با تعیین کارکردهای سرمایه اجتماعی در حسابرسی، در این بخش، با توجه به فرآیندهای انجام شده در خصوص شناسایی مقوله‌های مرتبط با پدیده محوری، می‌بایست نسبت به انجام تحلیل دلفی برای تأیید اعتبار مضامین هم‌راستا با مقوله‌ها اقدام نمود

تحلیل دلفی

یکی از روش‌های کسب دانش گروهی در حوزه‌های تصمیم‌گیری و واکاوی سطح اعتبار پژوهش، تحلیل دلفی می‌باشد. این تحلیل

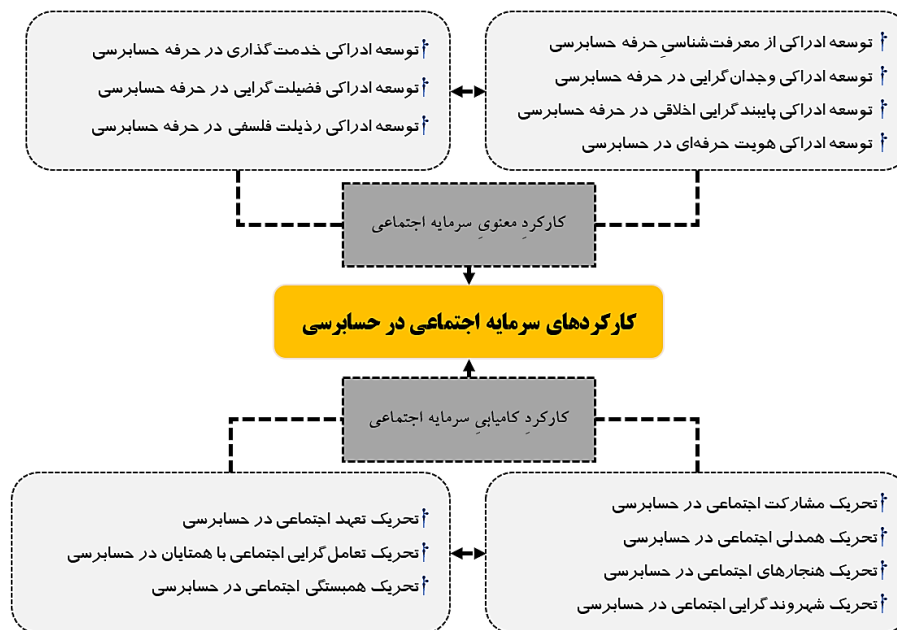
جدول (5) تحلیل دور اول دلفی

طبقه‌بندی	مقوله‌ها	مضامین مفهومی	میانگین	ضریب توافق	میانگین	ضریب توافق	تأیید	حذف	نتیجه	
کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی	کارکرد معنوی سرمایه اجتماعی	توسعه ادراکی از معرفت‌شناسی حرفه حسابرسی	۵/۳	۰/۸	۵/۴	۰/۸۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		توسعه ادراکی وجدان‌گرایی در حرفه حسابرسی	۶	۰/۹۵	۶/۱	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		توسعه ادراکی پایبندگرایی اخلاقی در حرفه حسابرسی	۵/۱	۰/۷	۵/۲	۰/۸	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		توسعه ادراکی هویت حرفه‌ای در حسابرسی	۵/۵	۰/۹	۶	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		توسعه ادراکی خدمت‌گذاری در حرفه حسابرسی	۵/۲	۰/۸	۵/۴	۰/۸۵	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	تأیید	
	کارکرد کامیابی سرمایه اجتماعی	توسعه ادراکی خودکنترلی در حرفه حسابرسی	۴	۰/۴				<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حذف
		توسعه ادراکی فضیلت‌گرایی در حرفه حسابرسی	۵/۵	۰/۹	۶/۱	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		توسعه ادراکی ردیلت فلسفی در حرفه حسابرسی	۵/۵	۰/۹	۶	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		تحریک مشارکت اجتماعی در حسابرسی	۵/۵	۰/۹	۶	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
		تحریک همدلی اجتماعی در حسابرسی	۵/۵	۰/۹	۶/۱	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید	
کارکرد	تحریک هنجارهای اجتماعی در حسابرسی	۵/۴	۰/۸۵	۵/۵	۰/۹	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید		
	تحریک شهروندگرایی اجتماعی در حسابرسی	۵/۲	۰/۸	۵/۴	۰/۸۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید		
	تحریک تعهد اجتماعی در حسابرسی	۶	۰/۹۵	۶/۱	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید		
	تحریک تعامل‌گرایی اجتماعی با هم‌تایان در حسابرسی	۵/۲	۰/۸	۵/۴	۰/۸۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید		
	تحریک همبستگی اجتماعی در حسابرسی	۶	۰/۹۵	۶/۱	۰/۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تأیید		
		تحریک به اشتراک‌گذاری اجتماعی در حسابرسی	۳	۰/۳۵			<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حذف	

مولفه‌های تأیید شده در این بخش اقدام به ارائه چارچوب نظری برای شناخت بیشتر کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی می‌گردد.

لذا با عنایت به چارچوب مفهومی فوق، جهت انجام تحلیل‌های بخش کمی پژوهش و آزمون فرضیه‌های پژوهش، در بخش کمی اقدام به انجام فرآیندهای تحلیل واریانس همسو با ماهیت تحلیلی پژوهش می‌شود.

براساس دو معیار میانگین و ضریب توافق در چک‌لیست ۷ گزینه‌ای لیکرت، مشخص شد دو مضمون گزاره‌ای از هر دو مقوله طبق دستورالعمل ضریب توافق در حد استاندارد ۰/۵ و میانگین ۵/۰۰ حذف شدند. در واقع ضریب توافق می‌بایست بیش از ۰/۵ و میانگین باتوجه به هفت گزینه‌ای بودن مقیاس لیکرت، ۵/۰۰ را کسب نمایند تا مورد تأیید قرار گیرند تا بر مبنای کفایت نظری امکان ساخت سناریوهای تحلیلی ممکن باشد. باتوجه به



شکل (۶) کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی

از طریق سناریوهای تدوین شده و مبنای تحلیل واریانس برای آزمون این فرضیه‌ها بهره برده می‌شود. لذا با استفاده از داده‌های بدست آمده از سناریوهای تدوین شده در قسمت ضمائم، اقدام به بیان یافته‌های ناشی از تحلیل واریانس خواهد شد تا از طریق تحلیل آن، فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این اساس به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر بردار متغیر وابسته، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانووا) استفاده می‌شود. نکته‌ی قابل توجه این است، در این پژوهش برای سنجش متغیرهای مستقل یعنی هویت گروهی و هویت حرفه‌ای کارکنان به ترتیب از ابعاد سنجش وان‌کینپنبرگ و همکاران^۱ (۲۰۰۸) و استاسک و مالچ (۲۰۲۳) استفاده می‌شود. همانطور که در فصل سوم و ضمائم پژوهش توضیح داده شده است، ابعاد هویت گروهی مؤسسات حسابرسی شامل ۴ معیار و ۸ سوال و هویت حرفه‌ای شامل ۳ معیار و ۶ سوال است که باتوجه به پرسشنامه‌های $n \times m$

تحلیل یافته‌های بخش کمی

همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، باتوجه به اینکه دو متغیر هویت گروهی و هویت حرفه‌ای کارکنان به عنوان متغیر برونزا و مستقل دارای ابزار استاندارد پرسشنامه‌ای می‌باشد، لذا جهت انجام دو فرضیه پژوهش که به ترتیب زیر ارائه شده اند:

- ❖ **فرضیه اول پژوهش** هویت گروهی از شدت تأثیرگذاری معنادار بالاتری بر ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت نسبت به تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در مؤسسه‌های حسابرسی برخوردار است.
- ❖ **فرضیه دوم پژوهش** هویت حرفه‌ای کارکنان از شدت تأثیرگذاری معنادار بالاتری بر ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت نسبت به تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در مؤسسه‌های حسابرسی برخوردار است.

^۱ Van Dick et al

بیشتری در پژوهش‌های حوزه‌ی علوم انسانی می‌باشد، مبنای تأییدی قابل‌انکاءتری در کنار سایر آزمون‌های یاد شده هستند.

جدول (6) آزمون ام. باکس مربوط به بررسی پیش‌فرض

یکسانی ماتریس‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی		آماره آزمون F	آماره آزمون ام. باکس
	اول	دوم		
۰/۲۳۱	۵۷	۱۴۷/۱۷۲	۱/۵۳	۶۸/۷۳۶

براساس نتیجه‌ی جدول (7) مشخص شد، سطوح معنی‌داری همه‌ی آزمون‌ها نشان‌دهنده‌ی اثرات متغیرها جهت در معنی‌دار مدل می‌باشد و بنابراین می‌توان بیان نمود هویت گروهی و هویت حرفه‌ای به عنوان متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر معنی‌داری دارد. در این جدول مجذور اتا میزان تأثیر یا تفاوت هر متغیر بر متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. چراکه همانطور که مشاهده می‌شود، آزمون اثر پیلای میزان تأثیر هویت گروهی و هویت حرفه‌ای به بر کارکردهای سرمایه اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۱۳۴ و ۰/۳۴۲ می‌باشد که بر این اساس می‌توان استنباط نمود که ۱۳/۴ و ۳۴/۲ درصد تفاوت‌های معنی‌داری ناشی از هر دو هویت مورد بررسی در حرفه حسابرسی بر کارکردهای سرمایه اجتماعی مورد تأیید می‌باشد.

طراحی شده، سطح تأثیرگذاری این دو متغیر بر کارکردهای سرمایه اجتماعی در حسابرسی در راستای سناریوهای الف و ب مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای این منظور متغیر کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی (ادراک ناشی از کارکرد معنویت و تحریک کارکرد کامیابی) به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای هویت گروهی و هویت حرفه‌ای کارکنان به عنوان وابسته در فرآیند تحلیل واریانس مدنظر قرار می‌گیرد. فرض رویکرد تحلیل واریانس چندمتغیره این است که بُردار متغیر وابسته از یک توزیع نرمال چندمتغیره پیروی کرده و ماتریس واریانس در بین سلول‌هایی که براساس اثرات بین آزمودنی‌ها تشکیل شده‌اند، متوازن و متعادل هستند. این پیش‌فرض با استفاده از آزمون ام. باکس در این پژوهش بررسی شده است. باتوجه به جدول (6) چون سطح معناداری آزمون ام. باکس (۰/۲۳۱) بیشتر از مقدار خطای آزمون (۰/۰۵) است، در نتیجه شرط مربوط به همگنی ماتریس‌ها مطلوب است. سپس براساس ماتریس واریانس، مشاهده شد که متغیرهای وابسته در بین گروه‌های مشارکت‌کننده در بخش کمی پژوهش، برابر هستند. در ادامه معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل و تأثیر بین هریک از آن‌ها با استفاده از آزمون‌های چندمتغیره مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آزمون‌ها سطحی از آزمون‌های اثر پیلای؛ لاندای ویلکز؛ اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه واحد را در بر می‌گیرند. اما به دلیل اینکه آزمون لاندای ویلکز و اثر پیلای دارای پایایی

جدول (7) نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا)

اثر	نام آزمون	مقدار	آماره آزمون F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
ضریب ثابت	آزمون اثر پیلای	۰/۷۷۷	۲۳۰۰۹۹/۳۱۸	5	122	۰/۰۰۰	0/591
	آزمون لاندای ویلکز	۰/۰۱۱	۲۳۰۰۹۹/۳۱۸	5	122	۰/۰۰۰	0/591
	آزمون اثر هتلینگ	۲۵۵/۲۷۴	۲۳۰۰۹۹/۳۱۸	5	122	۰/۰۰۰	0/591
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۲۵۵/۲۷۴	۲۳۰۰۹۹/۳۱۸	5	122	۰/۰۰۰	0/591
هویت گروهی	آزمون اثر پیلای	۰/158	20/195	5	122	۰/۰۰۰	۰/134
	آزمون لاندای ویلکز	۰/481	20/195	5	122	۰/۰۰۰	۰/134
	آزمون اثر هتلینگ	0/169	20/195	5	122	۰/۰۰۰	۰/134
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	0/169	20/195	5	122	۰/۰۰۰	۰/134
هویت حرفه‌ای	آزمون اثر پیلای	۰/693	۹۳/۰۳۸	5	122	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲
	آزمون لاندای ویلکز	۰/551	۹۳/۰۳۸	5	122	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲
	آزمون اثر هتلینگ	1/203	۹۳/۰۳۸	5	122	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	1/203	۹۳/۰۳۸	5	122	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲
اثر متقابل هویت گروهی و هویت حرفه‌ای	آزمون اثر پیلای	۰/۳۵۷	۱۷/۸۳۷	6	۲۱۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶
	آزمون لاندای ویلکز	۰/۴۰۹	۱۹/۱۱۳	6	۳۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۶۶۶	۲۳/۵۹۳	6	۲۱۹	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۶۶۶	۱۸/۱۲۵	5	۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶

مساوی تفکیک شدند، می‌توان چندان به نابرابری واریانس‌ها اعتناایی نشود. بنابراین در ادامه به بررسی فرض همسانی بودن ماتریس کوواریانس خطای مربوط به متغیر وابسته تبدیل شده نرمال پرداخته می‌شود. این فرض با استفاده از آزمون کرویت موشلی انجام می‌پذیرد. آزمون کرویت موشلی با استفاده از یک آزمون کرویت بر روی متغیر وابسته تبدیل شده نرمال، ساختار ماتریس واریانس-کوواریانس را تأیید و اثبات می‌کند.

طبق نتیجه کسب شده در جدول (9) مشخص شده است، سطح معناداری آزمون موشلی برابر با (0/029) می‌باشد کمتر از سطح معناداری 0/05 است. براین اساس، فرض صفر مبنی بر همخوانی ماتریس کوواریانس خطای مربوط به متغیر وابسته تبدیل شده نرمال با یک ماتریس همسانی رد می‌شود. لذا نمی‌توان کرویت ماتریس واریانس-کوواریانس متغیر وابسته را پذیرفت. بنابراین می‌بایست از آزمون‌های محافظه‌کارانه‌تری برای تحلیل استفاده نمود. برای این منظور از سه آزمون محافظه‌کار گرینهاوس-گیسر، هیون فلت و حد پایین استفاده شد. جدول (10) نتیجه‌ی تصحیح شده را برای هر یک از آزمون‌های محافظه-کار شامل گرینهاوس-گیسر، هیون فلت و حد پایین ارائه می‌دهد. این نتایج آزمون‌های تک‌متغیره را برای عامل‌های آزمون‌های و روابط تقابلی بین آن‌ها به تصویر می‌کشد. ماتریس کوواریانس خطای مربوط به متغیر وابسته تبدیل شده نرمال باید با یک ماتریس همسانی همخوانی داشته باشد.

باتوجه به معنی‌داری اثرات هر دو متغیر بر متغیر وابسته مدل، برای بررسی تأثیر متغیرها در این مرحله، از آزمون تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر استفاده می‌شود. لذا براساس متغیر وابسته پژوهش، می‌بایست فرض برابری ماتریس کوواریانس در گروه‌های مختلف، سنجش شود.

❖ تحلیل شدت تأثیر هویت گروهی و هویت حرفه‌ای کارکنان بر کارکردهای سرمایه اجتماعی (ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت/تحریک کامیابی) برای رسیدن به پاسخ فرضیه اول، می‌بایست مجدداً از آزمون ام. باکس فرآیند تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد.

جدول (8) فرآیند انجام آزمون ام. باکس مربوط به بررسی

پیش فرض یکسانی ماتریس کوواریانس

آماره آزمون ام. باکس	آماره آزمون F	درجه آزادی		سطح معناداری
		اول	دوم	
96/314	5.176	12	170/202	0/000

همانطور که در جدول (8) مشخص شده است، سطح معناداری آزمون ام. باکس (0/000) از مقدار خطای آزمون (0/05) کمتر است، براین اساس شرط همگنی ماتریس کوواریانس پذیرفته نمی‌شود. بنابراین ماتریس کوواریانس در بین گروه‌های مختلف مشارکت‌کننده در این پژوهش یکی و مساوی نیست. اما از آنجاییکه بر مبنای ماهیت پژوهش، حجم نمونه در دو گروه

جدول (9) آزمون کرویت موشلی مربوط به بررسی فرض همسان بودن ماتریس کوواریانس

آماره آزمون موشلی	آماره آزمون کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری	گرینهاوس-گیسر	هیون فلت	حد پایین
0/604	7/415	5	0/029	0/488	0/701	0/49

جدول (10) اثرات آزمون‌های متغیر وابسته

مبنای تغییرات	آزمون	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره آزمون	سطح معناداری	مجذور اتا
هویت گروهی	پذیرش کرویت	49773/337	2	2083/518	529/13	0/000	0/716
	گرینهاوس-گیسر	49773/337	1/591	2217/061	529/13	0/000	0/716
	هیون فلت	49773/337	1/804	2693/114	529/13	0/000	0/716
	حد پایین	49773/337	1	3019/119	529/13	0/000	0/716
هویت حرفه‌ای	پذیرش کرویت	26047/563	2	2193/822	554/28	0/000	0/414
	گرینهاوس-گیسر	26047/563	1/591	2476/608	554/28	0/000	0/414
	هیون فلت	26047/563	1/804	2354/982	554/28	0/000	0/414
	حد پایین	26047/563	1	3187/432	554/28	0/000	0/414

گروهی در کارکردهای سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته معنادار می‌باشند. همچنین براساس مجموع ضرایب کسب شده در میانگین مجذورات مشخص شد، تفاوت معناداری هر یک از

براساس نتایج مشخص شد، ردیف مربوط به پذیرش کرویت در سطح 0/05 اثرات این فرض را تأیید می‌کند. در این جدول ملاحظه شد که در سطح 0/05 تأثیرهای هویت حرفه‌ای و هویت

شده‌ی سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنابراین جهت بررسی این مطلب که اختلاف میانگین نمره هر دو هویت مورد بررسی در این مطالعه بر روی کارکردهای معنویت و کامیابی به عنوان دو سناریوی احتمالی در ساختار مؤسسات حسابرسی، از آزمون تعقیبی LSD (آزمون t برای گروه مستقل) استفاده می‌شود. به منظور تحلیل LSD معمولاً پیش‌فرض برابری واریانس تعیین می‌شود، اما در این مطالعه باتوجه به بررسی تساوی کواریانس در روش چندمتغیره، بررسی این پیش‌فرض ضرورتی ندارد. لذا با استفاده از آزمون تعقیبی LSD، تفاوت شدت تأثیر هویت‌های مورد بررسی بر کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسات حسابرسی در جدول (12) ارائه شده‌اند.

براساس ضرایب آزمون تعقیبی LSD و در سطح خطای ۰/۰۵ مشخص شد، هر دو متغیر مستقل این مطالعه بر کارکردهای سرمایه اجتماعی در مؤسسات حسابرسی، تأثیر معناداری دارند و احتمال وجود تفاوت معنادار مورد تأکید در فرضیه‌ها، تأیید می‌شود. ارجاع به نتیجه ارزیابی اختلاف میانگین بر اساس فاصله اطمینان نشان می‌دهد، تفاوت حد پایین و حد بالا در هر دو متغیر مستقل وجود دارد که این به معنای آن است که فرض احتمال شدت تأثیرگذاری هویت‌های گروهی و حرفه‌ای بر دو مبنای کارکردی سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی مورد تأیید می‌باشد.

معیارهای متغیرهای مستقل بر کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی دارند. لذا در ادامه طبق جدول (11) نتایج مربوط به معنی‌داری یا عدم معنی‌داری کل مدل و همچنین تأثیر جداگانه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ارائه می‌شود. براساس نتیجه‌ی جدول ۱۱ سطح معناداری متغیرهای هویت گروهی و هویت حرفه‌ای از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین ابعاد هویت گروهی و هویت حرفه‌ای به عنوان متغیرهای مستقل دارای اثر معنی‌داری بر میانگین نمره تفاوت کارکردهای سرمایه اجتماعی در حرفه حسابرسی می‌باشد. همچنین باتوجه به اینکه اثر متقابل هویت گروهی و هویت حرفه‌ای باتوجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ را نشان می‌دهد، باید بیان نمود، وقوع هر دو هویت از نظر یکسانی تأثیرگذاری بر کارکردهای سرمایه اجتماعی قابل ارزیابی نمی‌باشد. در این جدول مجذور اتا میزان تأثیر یا تفاوت هر متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. چون تأثیر یا تفاوت متغیرهای وابسته به ترتیب برابر با ۰/۲۲۱ و ۰/۳۹۳ می‌باشد، می‌توان تفسیر نمود که ۲۲/۱٪ و ۳۹/۳٪ هویت گروهی و هویت حرفه‌ای بر کارکردهای سرمایه اجتماعی دارای تأثیر معنادار هستند که تأثیر هویت حرفه‌ای از هویت گروهی بالاتر می‌باشد. در ادامه و با هدف تعیین تفاوت بین دو متغیر مستقل در تأثیرگذاری بر سناریوهای متغیر وابسته، به جدول (۴-۱۵) ارجاع می‌شود. در این جدول هویت گروهی و هویت حرفه‌ای از نظر ایجاد تفاوت معنادار بر کارکردهای سناریوسازی

جدول (11) اثرات آزمودنی‌های پژوهش برای متغیر وابسته

مبنای تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
ضریب ثابت	۷۱۵۶/۳۱۰	۱	۱۱۶۸/۵۱۲	۵۶۱/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۵۱۶
هویت گروهی	۷۵۲۸/۰۴	۱	۵۱۹۱/۲۲	۳۱۹/۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۲۱
هویت حرفه‌ای	۷۷۶۱/۵۱	۱	۵۵۸۲/۸۱	۴۸۲/۱۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹۳
اثر متقابل هویت گروهی و هویت حرفه‌ای	۲۲۸۶/۱۳	۱	۱۰۰۴/۱۹	۲۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۱۸۱
خطا	۱۰۹/۱۱۹	۱۴	۸۱/۲۸			

جدول (12) مقایسه شدت تأثیر هویت گروهی و حرفه‌ای بر کارکرد سرمایه اجتماعی

مستقل	گروه	میانگین	اختلاف میانگین	آماره آزمون t	درجه آزادی	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین	
						حد پایین	حد بالا
هویت گروهی	کارکرد معنویت	48/45	20/415	10/116	39	۰/۰۰۰	21/119
	کارکرد کامیابی	40/33					
هویت حرفه‌ای	کارکرد معنویت	60/21	21/089	19/228	39	۰/۰۰۱	26/635
	کارکرد کامیابی	63/38					

در واقع گروه به دلیل رویکردهایی تنش‌زایی که می‌تواند نسبت به عملکردهای فردی حساب‌برسان در تصمیم‌گیری‌ها یا دستیابی به اهداف تعیین شده داشته باشد، به جای ادراک سازی ناشی از ارزش‌های اجتماعی و بیرون از مؤسسه به میزان زیادی به ارزش‌های نهادینه شده در خود حرفه و ساختار مؤسسه نیاز دارد تا با همگرایی بیشتر در بین اعضای گروه، بتواند به افزایش سینرژی بیشتر در کارکردهای حسابرسی کمک نماید. به عبارت دیگر اعضای گروه براساس وجود ارزش‌های درونی است که می‌توانند در چالش‌های احتمالی حرفه به شکل اثربخش‌تری با استطاعت از معنویت حرفه‌ای، به ارزش‌های مؤسسه به عنوان یک سرمایه اجتماعی بیفزایند و اعتماد بالاتری را در بین ذینفعان از نظر پاسخگویی و مشروعیت کسب کنند. اگرچه آزمون فرضیه در پژوهش‌های گذشته مورد توجه قرار نگرفته است، اما می‌تواند تا حدی به لحاظ تأثیر هویت حسابرسی بر معنویت عملکردی نتیجه کسب شده را با پژوهش‌هایی همچون حمصیان‌کاشانی و حاجیها (۱۴۰۲)؛ باراینکوئا و اسپینوسا-پینک^۱ (۲۰۱۸) و آرانی و کوینگ‌ژیانگ^۲ (۲۰۲۱) مورد تطبیق قرار داد.

از سویی دیگر در تفسیر نتیجه فرضیه دوم باید بیان نمود، هویت حرفه‌ای که مبنایی از هویت اجتماعی در حسابرسی است و کارکردهای عملکرد فردی حساب‌برسان را در مؤسسه مدنظر قرار می‌دهد، در تأثیرگذاری بر کارکردهای سرمایه اجتماعی، از ظرفیت بالاتری برای وقوع کارکرد کامیابی نسبت به کارکرد معنویت برخوردار است. چراکه هویت حرفه‌ای که در برگیرنده ارزش‌های فلسفی و پایبندی اخلاقی فرد به حرفه حسابرسی به دلیل محرک‌های انگیزه‌بخش مناسب می‌باشد، باعث می‌گردد تا سطحی از رفت و برگشت ارزش‌های اجتماعی از بیرون به درون حرفه، باعث بهزیستی روانشناختی حساب‌برسان گردد و این مسئله با انجام عملکردهای با کیفیت برای رعایت حقوق ذینفعان، پاداش‌های رفتاری بالاتری را برای حساب‌برسان به همراه داشته باشد. لذا با هر بار تکرار عملکرد مطلوب و کسب بازخورد از پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان، سطحی از رضایت روانشناختی در حساب‌برسان ایجاد می‌گردد که حتی در سخت‌ترین چالش‌ها و فشارهای وارد بر آنان، از عقاید حرفه‌ای خود برای پرهیز از نفوذ دیگران بر قضاوت‌هایشان دست بر نمی‌دارند و این مسئله شدیداً ارزش‌های کامیابی را در آنان تحریک می‌کند. بر این اساس رویکرد هویت سازی در حرفه براساس ارتقاء شناخت و مهارت‌های قابل اکتساب برای اقتناع نیازهای دیگران، حسابرسی را به حرفه‌ای بدل می‌نماید که

نکته قابل توجه این است که ضرایب کسب شده هویت حرفه‌ای نسبت به هویت گروهی در کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسات حسابرسی بالاتر می‌باشد. اما شدت اختلاف به عنوان مبنای تأیید یا رد فرضیه، در ادامه به تفکیک هر فرضیه مورد آزمون در این مطالعه بیان می‌شود. لذا مشخص شد، فرضیه اول مورد تأیید قرار گرفت و این به معنای آن است که میانگین تأثیرپذیری ادراک‌گرایی مبتنی بر معنویت براساس هویت گروهی از تحریک کامیابی سرمایه اجتماعی در حسابرسی بالاتر می‌باشد. از طرف دیگر فرضیه دوم نشان داد، شدت تأثیر هویت حرفه‌ای بر کارکرد کامیابی نسبت به کارکرد معنویت در سرمایه اجتماعی مؤسسات حسابرسی بالاتر می‌باشد، چراکه میانگین تأثیر هویت حرفه‌ای بر کارکرد کامیابی برابر با ۶۳/۳۸ و بر کارکرد معنویت برابر با ۶۰/۲۱ درصد می‌باشد که نشان دهنده‌ی رد فرضیه دوم به دلیل عدم فرض صحیح جهت تأثیرگذاری متغیر مستقل بر سناریوهای متغیر وابسته می‌باشد. اما می‌توان اذعان کرد که وجود تأثیر هویت حرفه‌ای بر ایجاد تفاوت معنادار دو کارکرد سرمایه اجتماعی مورد تأیید است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه، ارزیابی هویت گروهی و هویت حرفه‌ای کارکنان مؤسسات در ارتقاء کارکرد سرمایه اجتماعی حرفه حسابرسی می‌باشد. لذا در راستای نتایج کسب شده در تفسیر فرضیه اول بایستی بیان گردد، ساختار مؤسسات حسابرسی جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های راهبرد تخصصی در یک بازار رقابتی نیازمند هویت‌سازی گروهی می‌باشد تا با توسعه‌ی قابلیت‌های درونی، بتواند از طریق مزیت‌های رقابتی قابل اکتساب در آیند، برای مؤسسه اعتبار بالاتری را کسب نماید. لذا هویت گروهی در مؤسسه‌های حسابرسی را می‌بایست به عنوان یکی از قابلیت‌های درونی، مبنایی برای تحریک کارکردهای سرمایه اجتماعی مدنظر قرار داد. چراکه نحوه‌ی دستیابی به اعتبارسازی ناشی از مشارکت‌های جمعی در ساختار مؤسسه‌های حسابرسی فرصت‌های رقابتی بالاتری را به علاوه‌ی ارزش‌های اجتماعی قابل اتکاء به وجود می‌آورد و این مسئله می‌تواند پاسخگویی بالاتر را از طریق حمایت ادراک شده سرمایه اجتماعی در بر داشته باشد. از آنجاییکه این مطالعه، دو کارکرد معنویت و کامیابی را به عنوان فرآیندهای رهیافتی مؤسسه‌های حسابرسی شناسایی نمود، نتیجه این فرضیه نشان داد، تحت هویت گروهی در حسابرسی، محتمل‌ترین کارکرد سرمایه اجتماعی از میان معنویت و کامیابی، کارکرد معنویت می‌باشد.

² Arrami & QingXiang

¹ Barrainkua and Espinosa-Pike

ایری، اسحاق، ولیان، حسن، صفری‌گراییلی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر کامیابی فراخود بر کیفیت اظهارنظر حسابرسان، حسابداری مالی، ۱۱(۴۴): ۶۳-۸۷.
باباجانی، جعفر، دلور، علی، برزیده، فرخ، صدیقی، عبدالمجید. (۱۴۰۱). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر جایگاه اجتماعی حرفه حسابرسی در ایران از منظر نظریه هویت اجتماعی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۷(۱۳): ۱-۳۵.
بزرگمهریان، شاهرخ، یزدانین، نرگس. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر کامیابی فراخود بر توسعه ارزش‌های اخلاقی حسابرسان، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰(۳۸): ۱۱۵-۱۲۷.

حمصیان‌کاشانی، زهرا، حاجیها، زهره. (۱۴۰۲). تبیین مدل کیفیت اظهارنظر حسابرسی مبتنی بر هوش اخلاقی، هوش معنوی و پیشینه رفتاری شرکای حسابرسی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳(۴): ۱۶۵-۱۹۴.
زمانیان‌فر، لیلا، مبارکی، اکرم. (۱۴۰۲). ارزیابی تفاوت هویت حرفه‌ای حسابرسان با ماهیت تساهل در حسابرسی: آزمون ارزش‌های مبتنی بر هویت اجتماعی، نشریه دانش حسابرسی، ۲۳(۳): ۱۳۳-۱۶۷.

ضیایی، محمدصادق؛ منوریان، عباس و کاظمی کفرانی، ابراهیم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان آمادگی سازمانی برای استقرار مدیریت دانش، مدیریت دولتی، ۳(۸)، ۱۹۸-۱۷۹.

محسن‌زاده‌گل‌فزانی، مریم، خدادادی، محسن، رضایی‌پیتونه‌نوئی، یاسر. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر رفتار اخلاقی بر هویت سازمانی و حرفه‌ای حسابرسان، فصلنامه دانش حسابداری، ۱۵(۵۷): ۱۴۴-۱۲۵.

ولیان، حسن، عبدلی، محمدرضا، اسلامی، خدیجه، اروئی، مهران. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر هویت حرفه‌ای حسابرسان بر ماهیت رقابتی صاحبکاران باتوجه به نقش تجربه حسابرسان، نشریه دانش حسابرسی، ۲۲(۱): ۲۴۱-۲۷۳.

107. <https://doi.org/10.1108/IJOES-11-2020-0182>
Akerlof, G. A. , and R. E. Kranton. 2010. Identity Economics: How Our Identities Shape Our Work, Wages, and Well-Being. Princeton, NJ: Princeton University Press .
Akerlof, G. A. , and R. R. Kranton. (2005). Identity and the economics of organizations. The Journal of Economic Perspectives, 19(1): 9-32. <https://doi.org/10.1257/0895330053147930>
Albawwat, I.E. (2022). Tacit knowledge sharing in small audit firms and audit quality inputs: the antecedent effect of auditors' social capital, Journal of Knowledge Management, 26(9): 2333-2353. <https://doi.org/10.1108/JKM-02-2021-0113>

نمی‌توان ارزش‌های اجتماعی را در آن نادیده انگاشت و بدون توجه به این ارزش‌ها صرفاً استانداردهای رسمی را مبنای قضاوت و تصمیم‌گیری در این حرفه تلقی نمود. نتیجه کسب شده در فرضیه دوم، همانند فرضیه اول، الزاماً از امکان تطبیق مصداقی براساس نتایج پژوهش‌های گذشته برخوردار نیست، بلکه هیچ پژوهشی براساس توالی و ترکیب این متغیرها اقدام به بررسی ارتباط هویت حرفه‌ای با کارکردهای سرمایه اجتماعی مؤسسه‌های حسابرسی ننموده‌اند. اما به لحاظ نظری و اهمیت مورد تأکید پژوهش‌هایی همچون رضائی‌راد و کوشکی‌چهرمی (۲۰۲۲)؛ ایری و همکاران (۱۳۹۸) و بزرگمهریان و یزدانین (۱۴۰۰) می‌توان تا حدی نتیجه کسب شده را تطبیق داد

باتوجه به نتایج فاز کیفی مطالعه، می‌توان به توسعه‌دهندگان حرفه حسابرسی توصیه نمود تا با شکل دادن به هنجارهایی مشخص، اولاً ارزش‌هایی را تحریک نمایند تا حد فاصل شکاف انتظارات در حرفه حسابرسی را به دلیل تعارض‌های غیرقابل اجتناب کاهش دهند. از طرف دیگر، باتوجه به نتیجه کسب شده در فاز کمی مطالعه، می‌توان به صاحبکاران در راستای توسعه‌ی استراتژی‌های اجتماعی مبنی بر رهیافت اعتبار بالاتر مؤسسه حسابرسی، توصیه نمود تا از طریق ارتقاء هویت‌های حرفه‌ای ناشی از کامیابی و ارزش‌های تحریک‌شده اجتماعی، کیفیت حرفه‌ی حسابرسی را به واسطه‌ی انسجام و محتوی اطلاعاتی قابل بهره‌برداری استفاده‌کنندگان منسجم نمایند، تا از این طریق بتوانند از فرصت‌های اطمینان‌پذیری سرمایه اجتماعی در بازار حسابرسی به بهترین شکل ممکن استفاده کنند. همچنین به حسابرسان توصیه می‌شود تا با گذراندن دوره‌های فرائضی از زمینه‌های صرف حسابرسی، سطح شناخت خود از سبک‌های رهبری؛ بازاریابی؛ تجاری‌سازی و برندینگ را افزایش دهند تا از این طریق بتوانند مؤسسه حسابرسی را به شکل اثربخشی‌تر از مزیت سرمایه اجتماعی برخوردار نمایند.

فهرست منابع

ابوالحسنی، داود، تدبیری، سیروس، مجیدی، مریم. (۱۴۰۲). تبیین نقش سطوح سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری تاب‌آوری سازمانی در بانک‌های دولتی، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۰(۲): ۱۹۷-۲۱۰.
امیری، هادی، رضایپور، زهره. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ورود بنگاه‌ها به بازرگانی خارجی، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۱): ۱۷۱-۱۸۴.

- Hasan, M. and Habib, A. (2019). Social Capital and Idiosyncratic Return Volatility", Australian Journal of Management, 44(1): 3-13.
- Hollingsworth, C., & Li, C. (2012). Investors' perceptions of auditors' economic dependence on the client: post-SOX evidence. Journal of Accounting, Auditing & Finance, 27(1), 100-122.
- Intamas, S., Ussahawanitchakit, Ph., Boonlua, S. (2024). Audit excellence orientation and audit survival: A conceptual framework, International Journal of Business Research, 14(3): 101-126. <https://doi.org/10.18374/IJBR-14-3.7>
- Jha, A. and Chen, Y. (2020). Audit Fees and Social Capital, The Accounting Review, 90(2): 611-639. <https://doi.org/10.2308/accr-50878>
- Monik, A. and Parzuchowski, M. (2024). How Do Opinions Power the Group Up? A Critical Review of Social Identity Concepts in Opinion-Based Groups, An International Journal of Theory and Research, 2(1): 1-16. <https://doi.org/10.1080/15283488.2024.2389432>
- Nehme, R., Roland Kozah, A, E, A., Sadaka, S., Michael, A. (2023). Accountants' Behavior, Performance Evaluation and Educational System, Australasian Accounting Business and Finance Journal 17(3): 36-71. <https://doi.org/10.14453/aabfj.v17i3.02>
- Peecher, M, E., Ricci, M, A. and Zhou, Y. (2024). Promoting proactive auditing behaviors, Contemporary Accounting Research, 41(1): 620-644. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12914>
- Pennings, J. M., and Lee, K. (1999). Social capital of organization: Conceptualization, level of analysis, and performance implications. In R. T. Leenders, and S. M. Gabbay (Eds.), Corporate Social Capital and Liability. New York: Springer Science Business Media.
- Pittman, J, Baolei, Q., Si, Y., Wang, Z, T. and Xia, Ch. (2020). Individual Auditor Social Responsibility and Audit Quality: Evidence from China, Research Journal of Accounting, 2(3): 1-19. <https://ssrn.com/abstract=3543503>
- Ramezani, H, R., Azinfar, K., Roshan, H, Gh. And Fallah, R. (2022). The Role of Culture in Auditors' Social Norms and Audit Quality in Iran's Environmental Conditions, Health Technology Assessment in Action 6(1): 107-129. <https://doi.org/10.18502/htaa.v6i1.11134>
- Sarapaivanich, N., Ekasingh, E., Sampet, J. and Patterson, P. (2024). SME clients evaluation of audit quality: the roles of auditors' communication effectiveness, rapport and social capital, Journal of Accounting in Emerging Economies, 14(2): 373-395. <https://doi.org/10.1108/JAEE-10-2022-0300>
- Shaban, O. (2012). Auditing Human Resources as a Method to Evaluate the Efficiency of Human Resources Functions and to Control Quality Check on HR Activities, International Business Research, 5(3): 70-93. <https://doi.org/10.5539/ibr.v5n3p122>
- Singh, M.K. (2024). Origin and Concept of Social Capital, Social Capital, Emerald Publishing Limited, Leeds, 1-8. <https://doi.org/10.1108/978-1-83797-587-720241001>
- Amyar, F., Hidayah, N.N., Lowe, A. and Woods, M. (2019). Investigating the backstage of audit engagements: the paradox of team diversity, Accounting, Auditing & Accountability Journal, 32(2): 378-400. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-08-2016-2666>
- Andiola, L, M. Brazel, J, F., Downey, D, H. and Schaefer, T, J. (2024). Coaching Today's auditors: What causes reviewers to adopt a more developmental approach?, Accounting, Organizations and Society, 112(2): 37-56. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2024.101548>
- Arrami, N., & QingXiang, Y. (2021). The role of moral identity in auditor's ethical decision making. International Journal of Research in Business and Social Science, 10(2): 157-169. <https://doi.org/10.20525/ijrbs.v10i2.1051>
- Azghandi, M, M., Jabbari, S., Ranjbar, H, R. and Al-janabi, A. (2023). The Effect of Social Capital on Auditor's Performance, Journal of Risk and Financial Management, 16(2): 119-145. <https://doi.org/10.3390/jrfm16020119>
- Barrainkua, I. and Espinosa-Pike, M. (2018). The influence of auditors' professionalism on ethical judgement: Differences among practitioners and postgraduate students, Revista de Contabilidad, 21(2): 176-187. <https://doi.org/10.1016/j.rcsar.2017.07.001>
- Benjamin, D. J. , J. J. Choi, and A. J. Strickland. (2010). Social identity and preferences. The American Economic Review, 100(4): 1913-1928. <https://doi.org/10.1257/aer.100.4.1913>
- Bianchi, M. and Vieta, M. (2020). Co-operatives, territories and social capital: reconsidering a theoretical framework, International Journal of Social Economics, 47(12): 1599-1617. <https://doi.org/10.1108/IJSE-03-2020-0135>
- Bianchi, P. A., N. Carrera, and M. Trombetta. (2020). The effects of auditor social and human capital on auditor compensation: Evidence from the Italian small audit firm market. European Accounting Review, 29(4): 1-29
- Blay, A.D., Gooden, E.S., Mellon, M.J. (2021). Can Social Norm Activation Improve Audit Quality? Evidence from an Experimental Audit Market. Journal of Business Ethics, 156(2): 513-530. <https://doi.org/10.1007/s10551-017-3561-z>
- Broberg, P., Umans, T., Skog, P., Theodorsson, E. (2018). Auditors' professional and organizational identities and commercialization in audit firms, Accounting, Auditing & Accountability Journal, 31(2): 374-399, <https://doi.org/10.1108/AAAJ-02-2014-1607>
- Guribie, F.L., Owusu-Manu, D.D.-G., Badu, E. and Edwards, D.J. (2024). The effects of the different dimensions of social capital on situated learning processes in projects, Construction Innovation, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CI-08-2023-0201>
- Hanifan, L.J. (1916). The Rural School Community Center." Annals of the American Academy of Political and Social Science, 67(2): 130-138.

- Singh, M.K. and Lee, J. (2020). Social inequality and access to social capital in microfinance interventions, *International Journal of Sociology and Social Policy*, 40(7/8): 575-588. <https://doi.org/10.1108/IJSSP-01-2020-0024>
- Stack, R. and Malsch, B. (2022). Auditors' Professional Identities: Review and Future Directions, *The Canadian Academic Accounting Association*, 21(2): 177-206. <https://doi.org/10.1111/1911-3838.12289>
- Stack, R. and Malsch, B. (2023). Auditors' Professional Identities: Review And Future Directions *Accounting Perspectives*, Forthcoming, 4(1): 57-78.
- Van Dick, R; van Knippenberg, D; Kerschreiter, R; Hertel, G; Wieseke, J. (2008). Interactive effects of work group and organizational identification on job satisfaction and extra-role behavior, *Journal of Vocational Behavior*, 72(1): 388- 399.
- Wan-Huggins, V. N., Riordan, C. M., & Griffeth, R. W. (1998). The development and longitudinal test of a model of organizational identification. *Journal of Applied Social Psychology*, 28(8): 724-749.



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 17/ No. 66/ Summer 2027

??????????

Mojtaba Rahimi

Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
Email: mojtabarahimii70@gmail.com

Seyyed abbas borhani

Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
Email: sa.sborhani1352@iau.ac.ir

Javad Rezazadeh

(Corresponding Author)

Email: j.rezazadeh@modares.ac.ir

Associate Professor, Department of Accounting, University of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Omid Faraji

Email: omid_faraji@ut.ac.ir

Associate Professor, Department of Financial Management and Accounting, School of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

Abstract

This research primarily seeks to answer whether the expansion of emerging aspects of social capital leads to differences in the professional identity performance of employees on an individual level compared to a group identity within accounting firms. In this study, the statistical population is described in detail based on the dual-phase nature of qualitative and quantitative data collection processes. Given the lack of cohesive theoretical frameworks to advance the goals of the matrix scenario modeling of the social capital variable in the quantitative section of the study, expert participation was required to implement the study's objectives in the qualitative section. Therefore, 15 university experts who were adequately knowledgeable and aligned with the expertise requirements outlined in the methodology participated in the qualitative phase of the study. In the quantitative section of this study, participants—160 partners, managers, and supervisors from accounting firms—were selected to evaluate the matrix scenario modeling in variance analysis in response to the researcher-made questionnaire.

This research, while proposing hypotheses through text mining methods, employs two-phase qualitative analyses and then uses the Delphi method based on two criteria: mean and coefficient of agreement, aiming to measure the reliability of the criteria arising from the RapidMiner stage to clarify them in the context of the study in the quantitative phase. In the quantitative phase, variance analysis is utilized to determine the differences in the functions of social capital in accounting firms under professional identity and group identity within the target population. According to the obtained results, the structure of accounting firms requires group identity to leverage strategic specialization capacities in a competitive market, allowing them to achieve higher credibility through competitive advantages that can be obtained in the future by developing internal capabilities. Therefore, group identity in accounting firms should be regarded as an intrinsic capability to stimulate social capital functions, while professional identity, which serves as a foundation for social identity in accounting and considers the individual performance functions of auditors within the firm, holds greater potential for achieving successful outcomes compared to the function of spirituality in influencing social capital functions.

Keywords: Group identity, professional identity, social capital, employees of auditing firms, auditing profession